

عوامل مؤثر بر اعتیاد و سوء مصرف مواد مخدر در گذر پیشگیری کنشی با تأکید بر رویکرد اجتماع محور*

رضا احدی^۱، شهرام محمدی^۲

چکیده

اعتیاد به مواد مخدر یکی از معضلات اساسی جوامع امروزی بوده که عوامل مختلفی به خصوص عوامل بیرونی بر آن مؤثر است. بنابراین دولت‌ها باید به دنبال ارائه راهکارهای پیشگیرانه نسبت به این مسئله باشند تا بتوانند آسیب‌های ناشی از آن را به حداقل برسانند. مقاله حاضر به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که چگونه می‌توان با معضل سوء مصرف به مواد مخدر مقابله کرد و کدامیک از روش‌های پیشگیری کنشی یا واکنشی موثرتر است؟ ابتدا سعی شده است که عوامل بیرونی مؤثر بر اعتیاد مورد بررسی قرار گیرد و در بحث پیشگیری، از ابعاد مختلف پیشگیری به این سؤال پاسخ داده شود. همچنین، روش‌های پیشگیری سه‌گانه در زمینه اعتیاد (یعنی اولیه، ثانویه و ثالث) و پیشگیری اجتماعی تحت عنوان شیوه‌های سیاست‌جنایی پیشگیرانه جامع از مصرف مواد مخدر مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به عدم موفقیت پیشگیری واکنشی (پسین) در مقابله با مواد مخدر یا کاهش معضل اعتیاد، با وصف تصویب و اجرای قوانین سخت‌گیرانه‌ی کیفی، پیشگیری کنشی (پیشین) نسبت به پیشگیری واکنشی مناسب‌ترین شیوه برای مبارزه و کاهش آسیب‌های ناشی از این معضل است.

کلیدواژه‌ها: اعتیاد، مواد مخدر، عوامل اجتماعی، رویکرد واکنشی، رویکرد کنشی، پیشگیری اجتماعی

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد نویسنده مسئول است

۱. نویسنده مسئول: کارشناس ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه کردستان، کردستان، ایران، پست الکترونیک:

ezaahadi8686@gmail.com

۲. استادیار گروه حقوق، دانشگاه کردستان، کردستان، ایران

مقدمه

اعتیاد عامل ظهور بسیاری از آسیب‌های اجتماعی و نابسامانی‌های خانوادگی و فردی است. پدیده‌ی اعتیاد و بخصوص افزایش سوء مصرف و وابستگی به مواد مخدر سنتی و صنعتی با توجه به تأثیرات روحی، روانی، اخلاقی و اجتماعی، خانواده و جامعه را تهدید می‌کند و به رفتارهای آسیب‌زایی مانند تنش در نقش‌های خانوادگی، ولگردی و دیگر رفتارهای کجروانه منجر می‌شود. به همین خاطر، اعتیاد از مهم‌ترین مسائل اجتماعی جهان امروز و همچنین یکی از عوامل تأثیرگذار در بسیاری از آسیب‌های اجتماعی به شمار می‌رود (کاکی‌دینکی و قوامی، ۱۳۹۳). اعتیاد به عنوان یک بیماری اجتماعی و پدیده‌ی مهلک و مخرب در هر جامعه‌ای مطرح است. تا زمانی که به ویژگی‌های معتاد و علل گرایش او به اعتیاد توجه نشود، درمان جسمی و روانی فقط برای مدتی کوتاه اثربخش خواهد بود و فرد معتاد دوباره گرفتار مواد مخدر خواهد شد (جهانتاب، ۱۳۹۳). شناسایی علل اساسی اعتیاد می‌تواند بسیاری از نیروهای از دست رفته‌ی جامعه را تجدید نموده و در مسیر سالم جامعه هدایت کند. اگرچه مسأله‌ی مواد مخدر و استعمال تریاک در همه‌ی کشورها پیشینه تاریخی دارد، لیکن اعتیاد و سوء مصرف مواد مخدر و روان‌گردان‌ها در عصر ما پدیده‌ای است که با پیشرفت صنعت و توسعه‌ی کشورها، در حال گسترش است (مظفر، ذکرایی و ثابتی، ۱۳۸۸). همه‌ی آسیب‌های اجتماعی منشأ محیطی و بیرونی دارند و هیچ فردی بالفطره مجرم نیست. مسائل زیستی که در نظریات سزار لمبروزو محوریت داشت، بعدها توسط شاگردان خود وی و بانیان مکاتب اجتماعی مورد خدشه قرار گرفت. اعتیاد به مواد مخدر نیز از مسائلی است که دارای زمینه اجتماعی است و شناخت این زمینه و عوامل محیطی جهت علت‌یابی و چاره‌جویی ضروری به نظر می‌رسد. بر همین اساس، جوامع برای مقابله با این چالش، سیاست‌جنایی لازم را اتخاذ کرده‌اند. البته شاید نتوانسته باشند به مرحله‌ی مطلوب برسند، ولی با توجه به اهمیت موضوع، تلاش‌های بی‌وقفه‌ای را انجام می‌دهند. برای پیشگیری از این مسئله، دو نوع پیشگیری کلی یعنی پیشگیری کیفری (واکنشی) و پیشگیری غیر کیفری (کنشی) در نظام‌های سیاست جنایی کشورها مورد توجه است. پیشگیری واکنشی به مرحله پس از ارتکاب جرم مربوط می‌شود و با اتخاذ اقدامات

کیفری سعی دارد از تکرار اقدام مجرمانه جلوگیری کند. آنچه که قابل توجه است این است که اعتیاد یک پدیده‌ی اجتماعی است و رویکرد سرکوبگرانه خیلی نمی‌تواند مؤثر واقع شود. به همین خاطر، در این مقاله، رویکرد غیرکیفری (کنشی) مورد توجه نگارنده است. رویکرد پیشگیری کنشی به دو شاخه اصلی پیشگیری وضعی و پیشگیری اجتماعی تقسیم می‌شود. پیشگیری وضعی، اقدامات غیرکیفری است که از طریق از بین بردن یا کاهش فرصت‌های مناسب برای وقوع جرم است. این نوع پیشگیری، یک اقدام بزه‌دیده مدار است و با اقداماتی که انجام می‌شود، هزینه ارتکاب جرم و ریسک آن را بالا برده و بزهکار را از ارتکاب آن منصرف می‌کند. با توجه به اینکه اعتیاد یک جرم حالت است و شخص خود خواسته گرفتار این معضل می‌شود، این نوع پیشگیری شاید در حوزه اعتیاد خیلی کارساز نباشد. به همین خاطر، در این مقاله سعی شده است که از پیشگیری اجتماعی استفاده شود. پیشگیری اجتماعی، خود، به دو قسمت محیط مدار و رشد مدار تقسیم می‌شود. این نوع پیشگیری، با ایجاد تغییرات و اصلاحات، در فرد و جامعه به دنبال جلوگیری از وقوع جرم به صورت پایدار و همیشگی است و تلاش می‌کند که شهروندان را از طریق آموزش، تربیت، تشویق و تنبیه، با قواعد اجتماعی هم‌نوا کند. این نوع پیشگیری، فرد مدار و بزهکار محور است و علاوه بر خود فرد، به خانواده، مدرسه و محیط دوستان نیز توجه دارد. بر همین اساس در این مقاله بیشتر به پیشگیری اجتماعی پرداخته شده است. البته نوع دیگری از تقسیم بندی پیشگیری در جرم‌شناسی وجود دارد که به پیشگیری اولیه، ثانویه و ثالث موسوم است که دو مرحله اولیه و ثانویه مربوط به حوزه پیشگیری کنشی و ماقبل بزهکاری بوده و مرحله ثالث آن هم به مرحله‌ی پس از بزهکاری مربوط می‌شود و جنبه‌ی واکنشی دارد. پیشگیری اخیر در حوزه اعتیاد و سوء مصرف مواد مخدر قابل توجه است.

با توجه به افزایش پرخطر اعتیاد به مواد مخدر در جامعه‌ی جهانی، ایران نیز از این امر مستثنا نیست. به لحاظ اینکه کشور ما به دلیل قرار گرفتن در مسیر ترانزیتی شرق به غرب، موقعیت حساسی دارد، مواد مخدر سنتی تولید شده در کشورهای همسایه‌ی شرقی برای حمل به سمت کشورهای غربی و یا حمل مواد مخدر صنعتی و شیمیایی از غرب به شرق

معمولاً از کشور ایران و به صورت قاچاق صورت می‌گیرد. هر چند که امروزه با به وجود آمدن آزمایشگاه‌های خانگی تولیدکننده‌ی مواد مخدر صنعتی، تولید، توزیع و حمل مواد را آسان شده است، ولی موقعیت استراتژی کشور ما، خطر بالقوه‌ای برای جمعیت شهرهای مختلف کشور، بخصوص قشر جوان و نوجوان جامعه است.

با توجه به درصد بالای جمعیت جوان در ایران، آمار معتادان جوان و نوجوان رو به افزایش و سن آن‌ها رو به کاهش است. در واقع، طبقه‌ی جوان بیش از میانسال و سالخوردگان به اعتیاد گرایش یافته‌اند و متأسفانه مواد مخدر صنعتی مثل کراک و شیشه تبدیل به متداول‌ترین مواد مخدر مورد استفاده‌ی آنان شده است (رضاقلی‌زاده، ۱۳۹۳). عوامل مختلفی ممکن است بر این مسئله تأثیر بگذارد که عموماً این عوامل ریشه‌ی جامعه‌شناختی دارد. تحقیقات انجام شده‌ی مرتبط در شهرهای دیگر همگی بیانگر این است که مسئله‌ی اعتیاد به مواد مخدر و به ویژه مواد صنعتی، علاوه بر مسائل فردی و خانوادگی، مرهون علل ساختاری- فرهنگی جامعه نیز است. هر چند که در قانون مبارزه با مواد مخدر، چند مورد اعدام و انواع مجازات‌های سخت دیگر مقرر شده است و همچنین سیاست‌های بازپروری نیز اعمال می‌شود، ولی همچنان تعداد معتادان به ویژه در زمینه‌ی مواد مخدر صنعتی و سنتی افزایش پیدا می‌کند. به نظر می‌رسد صرف اعمال مجازات کیفری و اقدامات تأمینی کافی نیست بلکه بایستی بسترهای اجتماعی اصلاح شوند و علل این امر در درون جامعه جستجو شود و نه صرفاً در خود فرد. این مسئله قبل از اینکه یک معضل فردی باشد، یک معضل اجتماعی است و تا زمانی که ریشه‌های این معضل در درون جامعه خشکانده نشود، مجازات و اقدامات بازپروری کارساز نخواهد بود. بنابراین می‌توان گفت تا زمانی که مشکلات ساختاری- فرهنگی اصلاح نشود، اثری از کاهش این مسئله‌ی بحران‌ساز نخواهد بود. یکی از مهم‌ترین چالش‌های انسان معاصر و از جمله مسائل اجتماعی جهان امروز که سلامت میلیون‌ها انسان را به شدت تهدید می‌کند، اعتیاد به مواد مخدر به خصوص مواد مخدر صنعتی است که همه از آثار و تبعات آن وحشت دارند. امروزه، ازدیاد مصرف مواد مخدر و عوارض ناشی از آن، بشریت را به شدت زیر فشار قرار داده و هر روز تعداد قابل توجهی از جوانان و نوجوانان، قربانی این ماده‌ی خانمان‌سوز

شده و به کام نیستی و تباهی کشیده می‌شوند. مشکل اعتیاد به عنوان یک پدیده‌ی مهلک و مخرب، که نتایجش می‌تواند اثرات بسیار سوئی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی داشته باشد، در هر جامعه‌ای مطرح است و معمولاً گروهی که در برابر این پدیده‌ی خطرناک بیش از سایر گروه‌ها آسیب‌پذیر است، همان قشر جوان یک جامعه است. پدیده‌ی اعتیاد دارای پیامدهای بسیار دیگری است که هر کدام به تنهایی می‌تواند ضرورت بررسی این موضوع را توجیه کند. بیکاری، ازهم پاشیدگی خانواده‌ها و طلاق، فرزندان بی‌سرپرست و آینده‌ی آنان، درگیری نسل جوان با سایر تبعات این معضل، هدر رفتن منابع مالی و اقتصادی کشور، پر شدن زندان‌ها و مسائلی از این قبیل همگی پرداختن به موضوع مورد بحث را اجتناب‌ناپذیر می‌کند. سؤالی که مطرح است اینکه عوامل مؤثر بر اعتیاد و سوء مصرف مواد مخدر کدامند؟ و کدام نوع پیشگیری کنشی یا واکنشی در مقابله با این مسئله مؤثرتر است؟ در این مقاله، پس از طرح مبانی نظری و عوامل مؤثر بر اعتیاد، انواع پیشگیری بخصوص، پیشگیری کنشی به تفصیل مورد کاوش قرار می‌گیرد.

مبانی نظری

دیدگاه‌های مختلفی در جامعه‌شناسی و جرم‌شناسی در خصوص ارتکاب جرم و آسیب‌های اجتماعی وجود دارد که هر کدام بیانگر ابعاد محیطی و اجتماعی این مسئله است. به نظر دورکیم^۱ این سازمان جامعه است که طبیعت جرم و ماهیت نظم دادن به رفتارهای مجرمانه را تعیین می‌کند، سازمانی که خود بر اساس دو عنصر تقسیم کار و وجدان جمعی موجود در آن شکل می‌گیرد. به نظر دورکیم اگر تقسیم کار ناسالم باشد و یا اینکه وجدان جمعی به شکل سالم و کارآمد نظم نیافته باشد، هم میزان وقوع جرم بالا می‌رود و هم احتمال فراگیر شدن آن بیشتر می‌شود (ولد، برنارد و اسنپس، ترجمه شجاعی، ۱۳۸۸). آنومی به نظر وی، ناظر به نظم‌بندی اجتماعی است. در وضعیت نابهنجاری هیچ‌گونه کنترلی بر رفتار و وجدان فردی وجود ندارد و از طرفی انسجام اجتماعی کم رنگ شده یا از بین می‌رود. اگر افراد جامعه نتوانند به اهداف مورد احترام

جامعه نائل شوند، ممکن است به انحرافات مختلفی از جمله اعتیاد و مواد مخدر دچار شوند (آبادینسکی^۱، ترجمه زکریایی، ۱۳۸۲). کلیفورد شاو^۲ و هنری مک کی^۳ تبیین جرم را بر حسب مضمون بی‌سازمانی اجتماعی مطرح کرده‌اند. در تبیین آنان، توجه عمده به پیوندهای موجود میان گونه‌های خاص از محیط شهری و همچنین طبیعت و گستره‌ی انواعی از جرایم معطوف است که با آن محیط پیوند دارند. محققان الگوی سکونت مهاجران و جریان حرکت مهاجران را به سوی شبکه‌های مکانی محله‌های فقیرنشین مرکز شهر و سپس به مناطق حاشیه‌ی آن مورد توجه قرار دادند و دریافتند که جرم با محله‌های خاصی پیوند خورده است (به نقل از وایت و هینز^۴، ترجمه سلیمی، ۱۳۹۲).

رابرت مرتن^۵ علت و ریشه‌ی انحرافات را شرایط ساختی جامعه می‌داند و به نظر وی دو ساخت اساسی در جامعه وجود دارد. یکی اهداف نهادی شده و دیگری وسایل نهادی شده که ارزش‌ها و امور مطلوب و شیوه‌های استاندارد برای رسیدن به آن اهداف در جامعه است (مظفر و همکاران، ۱۳۸۸). درباره‌ی پدیده‌ی اعتیاد به مواد مخدر تیپ انزوا طلب مورد توجه است. انزوا طلبی، شیوه‌ی انطباق فردی است که در آن، افراد به دلیل ناموفق بودن در دسترسی به اهداف اجتماعی سعی کرده‌اند خود را از جامعه دور نگه دارند. معتادان نمونه‌ای از این افراد هستند (وایت و هینز، ترجمه سلیمی، ۱۳۹۲). براساس نظر مرتن، آنومی هنگامی به وجود می‌آید که افراد با تضاد میان اهداف و وسایل دستیابی به آن‌ها مواجه می‌شوند (اله پناه، ۱۳۸۹).

آلبرت کوهن^۶ مدعی است که خرده فرهنگ‌های شکل گرفته در میان طبقه‌ی کارگر را می‌توان حاصل تضاد موجود میان فرهنگ این طبقه و فرهنگ طبقه‌ی متوسط دانست (آبادینسکی، ترجمه زکریایی، ۱۳۸۲). نظامی که شکل‌گیری و رشد آن، محصول دو عامل زیر است: نخست، فرصت‌های فرو بسته بر اعضای جوان طبقه‌ی کارگر و دیگر اینکه عزت نفس پایینی که این افراد به آن دچارند. کوهن دو پدیده‌ی جرم و بزه نوجوانان و جوانان را به چشم رفتار جمعی می‌نگرد، رفتاری که با آرزوها، چشم‌داشت و تجربه‌های

1. Abadinsky
2. Clifford Shaw
3. Henry Mckay

4. White & Haines
5. Robert k. Merton
6. Albert cohen

زیسته و مختلف مربوط به دو نوع دسته‌بندی طبقاتی پیوند می‌خورد (ولد، برنارد و اسنیپس، ترجمه شجاعی، ۱۳۸۸). ساترلند^۱ و کرسی^۲ نیز مدعی بودند که افراد و به خصوص نوجوانان و جوانان در درون محله‌هایی خاص یا در برخی موقعیت‌های اجتماعی و در خلال کنش متقابل با دیگران، دانستنی‌های لازم را درباره‌ی رفتار مجرمانه فرا می‌گیرند. مهم‌ترین نوع این واکنش‌های متقابل در میان گروه‌های شخصی به وقوع می‌پیوندد (وایت و هینز، ترجمه سلیمی، ۱۳۹۲). در این راستا افرادی که با گروه‌های معتاد، نشست و برخاست می‌کنند به مرور زمان، رفتارهای آن‌ها را آموخته و به آن خو خواهند گرفت. در نظریه کنترل اجتماعی نیز اعتقاد بر این است که میزان تعهد فرد بر جامعه، عامل تعیین کننده است. جوانانی که ارتباط محکمی با والدین و مدرسه دارند، کمتر درگیر رفتار مجرمانه می‌شوند. بر اساس نظریه کنترل اجتماعی، کجروی هنگامی به وجود می‌آید که تعهد فرد به جامعه ضعیف باشد (هیرشی^۳، ۱۹۶۹).

علل بیرونی مؤثر بر اعتیاد

اعتیاد یک معضل چند وجهی است که عوامل مختلفی در آن مؤثر است. علل خانوادگی، اجتماعی و اقتصادی هم‌بخش عمده‌ای از مسائلی است که در اعتیاد فرد تأثیر داشته و یکی از دغدغه‌های اساسی جامعه‌شناسان و جرم‌شناسان است. این عوامل در دو بخش در ادامه مطرح می‌شود.

الف) علل خانوادگی

خانواده در واقع اولین نهادی است که افراد در آن رشد کرده و جامعه‌پذیر می‌شوند. ارزش‌ها و هنجارهای پذیرفته شده در شخصیت فرد تأثیر دارد و هر چه قدر خانواده منسجم باشد، اعضای خانواده همبستگی اجتماعی بیشتری داشته و از گرایش به سوی انحراف، اجتناب می‌کنند. بحث اعتیاد و تأثیر آن بر افراد خانواده دلایل مختلفی دارد که ذیلاً به بعضی از آن‌ها اشاره می‌شود.

۱- اعتیاد والدین: بین مصرف مواد اعتیاد آور توسط پدر و مادر یا هر دوی آن‌ها و

1. Sutherland
2. Cressy

3. Hirschi

سوء مصرف و اعتیاد فرزندان رابطه وجود دارد (برجاس، ۱۳۹۱). اعتیاد والدین به سیگار یا مواد مخدر، باعث می‌گردد تا فرزندان، رفتار آسیب‌زای آن‌ها را الگو قرار داده و معتاد بشوند. از سوی دیگر، تحمل فرزندان به خاطر زندگی در خانه‌ای که آلوده به مواد مخدر است و اغلب اعضای خانواده نشئه و بیکار هستند کاهش یافته و به اعتیاد کشیده می‌شوند (خادمیان و قناعتیان، ۱۳۸۷). بیشترین آمار اعتیاد در جوانانی دیده می‌شود که یک یا هر دوی والدین معتاد باشند، چرا که مصرف این مواد توسط والدین، کنجکاو نو جوانان را برمی‌انگیزد و این تصور را در آنان به وجود می‌آورد که اعتیاد یک عمل معمولی و از خصوصیات افراد کامل و بزرگسال است (برجاس، ۱۳۹۱). در واقع اعتیاد والدین موجب می‌شود که آن‌ها تبدیل به یک انسان بی‌مسئولیت و ضعیف شوند که این امر موجب از بین رفتن کنترل و نظارت آن‌ها بر فرزندان خود خواهد بود و باعث می‌شود فرزندان به حال خود رها شده و در نتیجه در معرض اعتیاد قرار بگیرند.

۲- درگیری و ستیز بین والدین: هیرشی و ساترلند معتقدند که شرایطی در خانواده مثل بزهکاری اعضای خانواده و ناسازگاری موجود در منزل می‌تواند در کج رفتاری فرد مؤثر باشد. در نتیجه می‌توان گفت که نابسامانی‌های خانوادگی می‌تواند در اعتیاد به مواد مخدر اعضای خانواده، نقشی قابل توجه داشته باشد (خادمیان و قناعتیان، ۱۳۸۷). فرزندان که در خانواده‌های دارای ویژگی‌های سوء رفتار، تضاد و تنش رشد پیدا می‌کنند، احتمال گرایش آن‌ها به انحرافات مثل اعتیاد بسیار بالا است (معظمی، ۱۳۹۳). لجوج‌ترین و سرکش‌ترین کودکان و نو جوانان در خانواده‌هایی یافت می‌شوند که والدین آنها دچار درگیری و تضاد عقاید بوده و فاقد تفاهم هستند (معظمی، ۱۳۹۳). معتادان ستیزه‌های خانوادگی را عامل فرار خود از منزل و رو آوردن به اعتیاد می‌دانند. بنابراین هر چقدر اختلافات خانوادگی بیشتر باشد، احتمال گرایش فرزندان به سوی اعتیاد بیشتر است (قربانی، ۱۳۹۴). درگیری و نزاع بین والدین در محیط خانواده موجب سلب آرامش و آسایش فرزندان در خانه می‌شود. لذا این امر موجب می‌گردد که آن‌ها بیشتر اوقات خود را بیرون از منزل بگذرانند و به علت کمبود محبت از سوی والدین، جذب محبت‌های ظاهری گروه‌های منحرف شوند و با تحریک آن‌ها برای رهایی از سختی‌ها و مشکلات زندگی، به مصرف مواد

مخدر روی آورند.

۳- اعتیاد همسر: شوهران معتاد یکی دیگر از مهم ترین عوامل اعتیاد زنان به حساب می آیند. آن‌ها برای آنکه در مواقع استعمال مواد مخدر، همنشینی داشته باشند و از سرزنش و انتقاد همسر خود در امان بمانند یا در موقع تنگدستی و عدم تمکن مالی برای تهیه مواد مورد نیاز خود، او را به کارهای ناپسند و نامشروع، مانند گدایی، فروش مواد مخدر و روسپیگری بکشانند، زن خود را معتاد می کنند (قاسمی روشن، ۱۳۸۲). از آنجایی که زنان، وظیفه‌ی مادری و تربیت نسل آینده را بر عهده دارند، وجود مادر معتاد در خانواده می تواند آسیب جدی را به همسر و فرزندان و در نتیجه به جامعه وارد نماید (خادمیان و قناعتیان، ۱۳۸۷). گاهی برخی از زنان یا مردان معتاد، دختران کم سن و سال خود را به ازدواج با افراد مسن و ثروتمند مجبور می کنند تا شاید از این طریق بتوانند پولی را برای مواد مصرفی خود به دست بیاورند.

۴- از هم گسیختگی خانواده (طلاق): طلاق و جدایی به عنوان آسیبی اجتماعی، آثار روانی نامساعدی را بر روی زوجین و فرزندان می گذارد. تعداد قابل توجهی از زنان بعد از طلاق نسبت به آینده مایوس و دچار استرس و اندوه می شوند. طلاق و جدایی از همسر همچنین اثرات ناشایستی را بر زوجین به خصوص زنان مطلقه دارد به طوری که برای حل مشکلات روحی ناشی از طلاق به اعتیاد گرایش پیدا کنند (مساواتی آذر، ۱۳۸۳). میزان انحراف و گرایش به مصرف مواد مخدر در میان نوجوانانی که متعلق به خانواده‌های تک والدی هستند، بیشتر است و این نشان می دهد که وجود هر دو والد (پدر و مادر) و ارائه‌ی نقش هر کدام در محیط زندگی و نحوه تربیتی هر کدام از آن‌ها متناسب با شرایط و جهت شکل گیری شخصیت سالم نوجوان امر مهمی است (خالقی پور و یارمحمدیان، ۱۳۸۷). در اغلب خانواده‌های طلاق، فرزندان به ویژه دختران، از منزل و مدرسه فرار می کنند و جذب باندهای منحرف شده و به ارتکاب جرایم مختلف از جمله اعتیاد تن می دهند.

۵- نارضایتی از زندگی زناشویی: زمینه‌های ناسالم خانوادگی و نارضایتی زنان از زندگی زناشویی، می تواند تأثیر ناسالمی در گرایش به مواد مخدر داشته باشد (خادمیان و قناعتیان، ۱۳۸۷). در خانواده‌هایی که از زندگی زناشویی رضایت ندارند، همبستگی

کمتری وجود دارد و در نتیجه این امر باعث می‌شود که یک جو سرد، بی‌روح و سکوت خالی از شور و نشاط در خانه حاکم باشد و فرزندان نیز هیچگونه احساس امنیت و آرامشی نداشته باشند. کاهش همبستگی بین اعضای خانواده، خطرات مختلفی از جمله طلاق و سایر انحرافات مثل اعتیاد را به دنبال خواهد داشت (خضری و ارجمند سیاهپوش، ۱۳۹۳). زنانی که از زندگی زناشویی خود راضی نیستند و احساس می‌کنند که راهی برای بازگشت وجود ندارد یا دخترانی که ازدواج‌های نامناسب بر آن‌ها تحمیل می‌شود، احساس تنفر و دل‌سردی از زندگی زناشویی می‌کنند و در نتیجه به جای عشق و علاقه به شوهر خود، جذب گروه‌های منحرف و بزهکار شده که اعتیاد آن‌ها به مواد مخدر را نیز به دنبال خواهد داشت (یاراحمدی و حسنی، ۱۳۹۴).

ب) علل اجتماعی و اقتصادی

۱- فقر و رفاه بیش از حد: فردی که نیازی به کار کردن و مشارکت‌های اجتماعی نمی‌بیند و هدف مهمی هم ندارد که در زندگی خود دنبال نماید، با امکانات زیاد برای تفریح و شرکت در مجالس دوستانه و شبانه عوامل زمینه‌ساز اعتیاد برای وی به وجود می‌آید. چنین خانواده‌هایی با تأمین بیش از اندازه نیازهای فرزندان، امکان استقلال، مسئولیت‌پذیری و میل به کار را از او سلب نموده و وی را انگل‌وار تربیت می‌کنند (برجاس، ۱۳۹۱). در زمان وجود نابرابری اجتماعی، مردم فقیر خود را با همالان خود مقایسه می‌کنند و احساس فشار و محرومیت بوجود می‌آید که منجر به رفتارهای مجرمانه مانند اعتیاد می‌گردد (معظمی، ۱۳۹۳). عدم دسترسی به امکانات مالی و معیشتی، احساس محرومیت، ناکامی و افسردگی می‌تواند زمینه‌ساز اعتیاد برخی از افراد باشد.

۲- دوستان ناباب: عضویت نوجوانان در گروه‌های خیابانی بروز رفتارهای بزهکارانه را تشدید می‌کند. جرم‌شناسان در مقایسه‌ی جوانانی که عضو گروه بزهکاری هستند با کسانی که عضو این گروه‌ها نیستند، به این نتیجه دست یافتند که اعضای گروه‌ها بیشتر درگیر رفتارهای بزهکارانه به ویژه بزه‌های خشن هستند. هم چنین معاشرت با دوستان ناباب و همسالان بزهکار، یکی از مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های بزهکاری آینده آنان است که محققان شناسایی کرده‌اند (معظمی، ۱۳۹۳). نوجوانانی که مصرف‌کننده‌ی مواد هستند

بیشتر احتمال دارد با همسالانی که مواد مصرف می کنند، رابطه داشته باشند. این ارتباط احتمال تداوم در مصرف مواد را بالا می برد (خالقی پور و یارمحمدیان، ۱۳۸۷). بیشتر معتادان، علت اعتیاد خود را معاشرت با دوستان ناباب ذکر کرده اند. نوجوان در دوره بلوغ بیشتر از هر زمان دیگر، متأثر از گروه همسن و سال خود است. زیرا در این دوره، نوجوان از اتکاء خود به خانواده می کاهد و ناگزیر درصدد یافتن تکیه گاه های دیگری است که مهم ترین آن ها گروه های دوستان و همسالان هستند (جهانتاب، ۱۳۹۳). گروه دوستان بعد از خانواده، دومین عامل مهم و اساسی است که بیشترین تأثیر را در شکل گیری شخصیت دارد، زیرا فرد زمانی جزء گروه دوستان محسوب می شود که ارزش ها و هنجارهای مورد قبول آن ها را بپذیرد و بر اساس آن رفتار کند. در غیر این صورت، از طرف آنها طرد شده و از گروه اخراج می شود. تأثیر گروه دوستان بر فرد تا حدی است که برای حرکت خلاف نظر گروه، اراده ی بسیار قوی می خواهد. اولیاء دین، در انتخاب و گزینش دوست صالح و دوری از همنشینی با دوستان ناصالح سفارش نموده اند (یاراحمدی و حسنی، ۱۳۹۴). هاوکینز (۱۹۹۵) مهم ترین عامل خطرزا را برای گرایش نوجوانان به سوی مواد غیر مجاز، ترس از طرد شدن و حمایت نشدن از سوی همسالان می داند. بدون شک، هر نوجوانی تمایل دارد که بتواند وارد گروه دوستان شود و از این طریق بتواند محبوبیت فردی و اجتماعی کسب کند و در صورت طرد شدن از سوی گروه همسالان، دچار سردرگمی و ناکامی شده و برای این سردرگمی و شکست، در پذیرش از طرف گروه به مواد مخدر نزدیک می شود و این عاملی برای مصرف مواد است (به نقل از خالقی پور و یارمحمدیان، ۱۳۸۷). داشتن دوستانی که مواد مصرف می کنند یک عامل پیش بینی کننده ی قوی برای مصرف مواد در میان نوجوانان است. در پژوهشی ۸۸ درصد مصرف کنندگان اذعان کرده اند که دوستان معتاد داشته اند (برجاس، ۱۳۹۱). در تحقیق فرجاد (۱۳۶۸) نیز بیشتر معتادان، دوستان را عامل اعتیاد خود بیان کرده اند. نتیجه تحقیق تابه (۱۳۸۲) نیز حاکی از تأثیر مهم گروه دوستان و همسالان در مصرف مواد اعتیاد آور بود. در واقع، بیشتر تحقیقات انجام شده نشانگر این است که دوستان در اعتیاد افراد نقشی اساسی دارند. بنابراین، خانواده ها بایستی فرزندان خود را در انتخاب دوست به شدت تحت نظر داشته و آن ها را

در این امر مهم کمک نمایند تا با افراد ناصالح هم‌نشین نشوند.

۳- بیکاری: بیکاری ممکن است به واسطه‌ی ایجاد فقر، منجر به افزایش جرم گردد. برخی اظهار می‌دارند که در دوران بیکاری شدید، کسانی که قبلاً محکوم شده‌اند حتی کمتر از شرایط عادی ممکن است قادر به یافتن شغل باشند. برخی دیگر نیز معتقدند که مجرمین، بیشتر از گروه شاهد (یعنی افراد غیر مجرم) بیکار می‌شوند و بیشتر به تغییر شغل اقدام می‌کنند و در هنگام بیکاری، در مقایسه با زمان‌های دیگر، بیشتر ممکن است مرتکب جرم شوند (نجفی ابرند آبادی و هاشم بیگی، ۱۳۹۳). فقر خانواده، انعکاسی از مشکلات اقتصادی جامعه است که رابطه غیر مستقیم با اعتیاد دارد. یکی از دلایلی که فقر، فرد را به اعتیاد می‌کشاند، محرومیت‌های ناشی از فقر است که راه فرار از آن را پناه بردن به مواد مخدر می‌داند؛ زیرا فقر خانواده و بیکاری سرپرست خانواده موجب سردی روابط، بی‌اعتمادی و خشم بین افراد خانواده می‌شود (خالقی‌پور و یارمحمدیان، ۱۳۸۷). در واقع بیکاری می‌تواند زمینه‌ساز بسیاری از انحرافات اجتماعی باشد که اعتیاد یکی از این موارد است. افراد در اثر بیکاری امکان دارد جذب باندهای مجرمانه و قاچاق مواد مخدر شوند و همکاری افراد جامعه با این گروه‌ها نقش تعیین‌کننده خواهد داشت. از طرفی، افراد برای کاهش فشارهای ناشی از بیکاری به طرف سوء مصرف مواد مخدر می‌روند که این امر مشکلات مختلفی را به دنبال خواهد داشت.

۴- شکست تحصیلی: بر اساس نظریه‌ی هیرشی هر چه میزان مشغولیت شخصی در فعالیت‌های اجتماعی - اقتصادی جامعه زیادتر باشد، فرصت کمتری برای کجروی خواهد داشت. از جمله عوامل بازدارنده‌ی بزهکاری، اشتغال به تحصیل است. در رابطه با افت تحصیلی و بزهکاری، نتایج تحقیقات حاکی از آن است که ۹۵ درصد از نوجوانان بزهکار زیر دیپلم، مدرسه را ترک کرده‌اند. سابقه‌ی اغلب بزهکاران نشانگر آن است که میزان موفقیت آن‌ها در تحصیل پایین بوده و یا مردود شده‌اند (معظمی، ۱۳۹۳). نتایج تحقیقات دیگری حاکی از آن است که بیشترین مصرف‌کنندگان دارای مدرک دیپلم و کمترین آن‌ها دارای مدرک لیسانس و بالاتر بوده است (اصغری، ۱۳۹۳). بعضی از روانشناسان معتقدند که شکست‌های تحصیلی و محرومیت از تحصیل که به دلایل گوناگون انجام

می‌گیرد، موجب یأس، بدبینی، پرخاشگری و در نهایت انحراف می‌شود (اکبری، ۱۳۸۰). از نظر هاوکینز (۱۹۹۵) دو عامل مربوط به مدرسه یعنی شکست تحصیلی و نداشتن احساس تعهد کافی نسبت به مدرسه، از عوامل خطر ساز در گرایش به مواد مخدر هستند (به نقل از خالقی‌پور و یارمحمدیان، ۱۳۸۷).

۵- مهاجرت: مهاجرت از شهر به روستا یا از شهرهای کوچک به کلان شهرها یکی از پدیده‌های مهم جوامع امروزی است. یافتن شغل مناسب، درآمد بیشتر و استفاده از امکانات بهتر، جزء انگیزه‌های عمده‌ی مهاجرت از روستاها و شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ و پایتخت است (کوئن، ترجمه توسلی و فاضل، ۱۳۸۷). در واقع یکی از علل افزایش بزهکاری نوجوانان، مهاجرت و افزایش جمعیت نامتجانس در شهرها است. مردم با فرهنگ‌ها و سوابق گوناگون و متفاوت گرد هم می‌آیند که در این صورت، امکان انحراف رفتاری بیشتر خواهد شد (معظمی، ۱۳۹۳). مهاجرین به محض ورود به محل جدید به علت وضع نامناسب اقتصادی و مالی به سوی محل‌های کم درآمد، دارای مسکن ارزان و نامناسب هجوم می‌برند و برای امرار معاش به کارهای غیر تخصصی اشتغال می‌ورزند (نجفی‌توانا، ۱۳۹۰). اوضاع نابسامان اقتصادی و تضاد فرهنگی، مهاجرین و خانواده‌های آن‌ها را در شرایط بسیار نامطلوب قرار داده و استعداد ناسازگاری و بزهکاری آنان را تقویت می‌کند (نجفی‌توانا، ۱۳۹۰). شاو و مک‌کی دریافتند که مناطق دارای بیشترین تمرکز بزهکاری، محله‌های بدون ثبات و محیط‌های در حال گذار بودند که در آنجا تعداد زیادی از شهروندان که به تازگی مهاجرت کرده بودند، سکونت داشتند (معظمی، ۱۳۹۳).

همه‌ی عوامل ذکر شده زمینه ساز بزهکاری و کجروی افراد جامعه بوده و جامعه را دچار معضلات فراوان می‌کند. حال برای مقابله با این معضل باید دید که کدام یک از روش‌های پیشگیرانه مؤثرتر است؟

تدابیر پیشگیرانه سیاست جنایی در زمینه‌ی مصرف مواد مخدر

سیاست جنایی شامل مجموعه روش‌هایی است که جامعه با توسل به آن‌ها واکنش علیه

پدیده مجرمانه را سازمان می‌بخشد. بدین ترتیب سیاست جنایی مترادف با جنبه‌های عملی و نظری اشکال کنترل اجتماعی است و حقوق کیفری هسته‌ی آن است. با این همه امروزه کاربست‌های کیفری در قلمرو سیاست جنایی، دیگر تنها نیستند بلکه گرداگرد آن‌ها شیوه‌های غیر سرکوبگر کنترل اجتماعی مانند پیشگیری از وقوع جرم و گاه حتی مردمی و غیردولتی وجود دارد (دلماس- مارتی^۱، ترجمه نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۱). منظور از پیشگیری، تلاش در جهت کاهش عرضه و تقاضای مواد مخدر است. کاهش عرضه، مورد توجه نیروهای مبارزه با مواد مخدر است و کاهش تقاضا مورد توجه قانون‌گذاران و نظام فرهنگی- آموزشی است. پیشگیری مؤثر به اندازه‌ی آموزش و یا مبارزه با مواد مخدر، پیچیده است (معصومی‌راد، ۱۳۸۹). به طور کلی در امر پیشگیری، راه حل سریع و آسان وجود ندارد. در عوض مجموعه‌ای از اقدامات در قالب برنامه‌های منظم با روش‌های مختلف مورد نظر است تا بتوان به نتایج دلخواه دست یافت. هر چند نیاز به پیشگیری یک واقعیت آشکار است، ولی انتخاب بهترین روش پیشگیری چندان آسان نیست. زیرا علل اعتیاد، متعدد، مرتبط به هم و چند بعدی است. بدون شک جوامع گوناگون، اقدامات پیشگیرانه‌ی متنوع را با شرایط خاص خود مطابقت می‌دهند. در راستای کاهش یا از بین بردن عرضه و تقاضای مواد مخدر و اعتیاد، از طرف اندیشمندان رویکردهای مختلفی مطرح می‌شود ولی در حالت کلی می‌توان آن را به دو رویکرد اصلی پیشین (کنشی) و پسین (واکنشی) تقسیم‌بندی کرد.

پیشگیری از مصرف مواد مخدر با رویکرد واکنشی (پسین)

پیشگیری کیفری یا واکنشی، در واقع همان سیاست حزب محافظه کار است که طرفدار رویکرد کیفری برای مبارزه با جرم یعنی اعمال شدید قانون و مجازات توسط دستگاه‌های ذیربط قضایی و اجرایی است. این دیدگاه با اصرار بر تأیید بازدارندگی مقررات کیفری و روش‌های رسمی یا قانونی برخورد با جرم یعنی اعمال مجازات و اقدامات مؤثر، به دنبال دستگیری مرتکبین یعنی تقویت پلیس و دستگاه قضایی است (صفاری، ۱۳۸۰). این نوع

پیشگیری، در واقع، یکی از مؤلفه‌های سیاست جنایی در مفهوم مضیق، یعنی سیاست کیفری است. زمانی که رخداد جنایی به وقوع می‌پیوندد نظام عدالت کیفری از رهگذر پاسخ‌ها یا واکنش‌های از پیش تعیین شده خود که غالباً در چارچوب «کیفر» نمود می‌یابد، با عنایت به وضعیت اتفاقی و شخصیت ارتكابی و به تناسب میان بزه و کیفر پاسخی که بتواند پویا و کارآمد باشد، اتخاذ می‌کند. پیشگیری کیفری به عنوان بازوی وزین سیاست جنایی مضیق و در زمره ممکن‌ترین سلاح جوامع انسانی، با تهدید کیفری تابعان حقوق کیفری از یک سو و به اجرا گذاشتن این تهدید از رهگذر کیفری کسانی که ممنوعیت‌های کیفری رانقض کرده‌اند از سوی دیگر، در مقام پیشگیری جمع‌مدار (عام) و پیشگیری فرد مدار (خاص) از جرم است (ساعد، ۱۳۸۶). این نوع پیشگیری، پس از وقوع جرم، با بهره‌گیری از تدابیر و اقدامات نظام عدالت کیفری برای کاهش نرخ جرم با رعب انگیزی فردی، جمعی و عبرت آموزی از بزهکار نخستین و بزهکاری دوباره افراد جلوگیری می‌کند. این نوع پیشگیری بر اساس اثری که بر فرد و جامعه می‌گذارد به پیشگیری عام از طریق ارباب عمومی نسبت به بزهکاران بالقوه و پیشگیری خاص از طریق مجازات بزهکار در قالب سیاست‌های اصلاح و درمان، از وقوع جرم جلوگیری کرده و زمینه را برای بازپذیری اجتماعی بزهکار فراهم می‌کند. پیشگیری واکنشی که از نظر ذاتی اقدامی پسینی است پس از اقدام رفتار مجرمانه با استفاده از ابزارهای کیفری از رهگذر نظام عدالت کیفری اعمال می‌گردد (نیازپور، ۱۳۸۳). در این رویکرد، با قانون‌گذاری و جرم‌انگاری اعمال مرتبط با عرضه و تقاضای مواد مخدر، به مبارزه با این معضل پرداخته می‌شود. بنابراین می‌توان گفت که تمام کشورهای جهان برای مقابله با این بحران، برای خود قانون وضع نموده‌اند. در کشور ما نیز در طی سال‌های گذشته دست به این امر زده شده است که مهم‌ترین قانون وضع شده در زمینه مبارزه با مواد مخدر، قانون مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام و اصلاحات و الحاقات آن در سال‌های ۱۳۷۶ و ۱۳۸۹ است. در قوانین ما شاید به خاطر حساس بودن این موضوع است که از جنبه‌ی صلاحیت ذاتی، رسیدگی به دادگاه انقلاب و اگذار گردیده و در برخی موارد وفق ماده ۲۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ - که از ابتدای تیرماه ۱۳۹۴ اجرایی شده

است- جلسه دادرسی با تعدد قاضی تشکیل می‌شود. نیروی انتظامی هم تلاش‌های بی‌وقفه‌ای در این زمینه به عمل می‌آورد. با اینکه سخت‌گیری‌های کیفری زیادی در این زمینه صورت گرفته، ولی عرضه و تقاضای مواد مخدر روز به روز افزایش پیدا می‌کند. برای حل کردن مسئله به نظر می‌رسد مجازات و اقدامات تأمینی به تنهایی کافی نیست. چرا که این مسئله دارای علل اجتماعی است. تا زمانی که زمینه‌های تولد جرایم از بین نرود مجازات مجرم اگرچه اعدام باشد؛ به منزله‌ی پاک کردن صورت مسئله است. به همین خاطر اخیراً (در سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵) مکرراً از سوی برخی از مسئولین عالی رتبه قضایی و اجرایی و تقنینی، بحث تدوین لایحه تجدیدنظر در اعدام قاچاقچیان و حذف مجازات اعدام از جرایم مواد مخدر به طور جدی مطرح می‌شود. به همین دلیل، توسل به اقدامات غیر کیفری ضروری به نظر می‌رسد.

پیشگیری از مصرف مواد مخدر با رویکرد کنشی (پیشین)

این نوع پیشگیری (پیشگیری کنشی) که به آن پیشگیری غیر کیفری نیز می‌گویند عبارت است از مجموعه تدابیری است که پیش از ارتکاب جرم با مداخله در فرایند فعلیت یافتن جرم و وضعیت پیش جنایی در صدد پیشگیری از بزهکاری است. به گونه‌ای که با استفاده از ساز و کارهای کنشی (غیر کیفری) بر شخصیت افراد و موقعیت‌های پیش از ارتکاب جرم تأثیر گذار است. پیشگیری کنشی که از حیث ماهوی اقدامی پیشینی است، با مداخله در فرآیند گذار از اندیشه به فعل مجرمانه اعمال می‌شود (نیازپور، ۱۳۸۳). این نوع پیشگیری در نظر دارد امکان وقوع جرم و بزهکاری را غیر ممکن یا دشوار کرده و با مدیریت مناسب نسبت به فرصت‌ها و عوامل عینی جرم، محدودیت ایجاد کند (کی‌نیا، ۱۳۶۹). خاستگاه پیشگیری کنشی آن علم جرم‌شناسی^۱ است و به عنوان یکی از شاخه‌های سه‌گانه جرم‌شناسی کاربردی - یعنی جرم‌شناسی پیشگیرانه- بر اتخاذ تدابیر کنشی تکیه دارد. این نوع پیشگیری از رهگذر شیوه‌های گوناگونی که خارج از نظام عدالت کیفری است به جلوگیری از بزهکاری می‌پردازد و در صدد مهار بزهکاری یا جرم با توسل به ابزارهای غیر قهرآمیز و تدابیر غیر سرکوبگر است (ساعد، ۱۳۸۶). طرفداران این نوع

پیشگیری معتقدند که از طریق شناخت علل ارتکاب جرم (اعم از فردی و اجتماعی) و بر طرف کردن آن با انجام اصلاحات فردی و اجتماعی مثل بیماری‌ها و نارسایی‌های (ناهنجاریهای) جسمی و روحی مرتکبین، بالا بردن ارزش‌های اجتماعی مثل مدرسه و خانواده، توسعه و تعالی فرصت‌های اقتصادی، تحصیلی و تفریحی، مسکن و امثال این‌ها، می‌توان از ایجاد تمایلات مجرمانه در افراد جلوگیری کرد و نهایتاً افراد را از غرق شدن و کشیده شدن به سوی شیوه‌های مجرمانه زندگی نجات داد (صفاری، ۱۳۸۰). این نوع پیشگیری به دو نوع «پیشگیری وضعی» و «پیشگیری اجتماعی» تقسیم می‌شود. ولی با توجه تأثیر اساسی پیشگیری اجتماعی سعی شد بیشتر به پیشگیری اجتماعی پرداخته شود ولی به طور مختصر به پیشگیری وضعی نیز پرداخته می‌شود. البته نوع دیگری از تقسیم‌بندی پیشگیری در جرم‌شناسی وجود دارد که به پیشگیری اولیه، ثانویه و ثالث موسوم است که دو مرحله اولیه و ثانویه مربوط به حوزه پیشگیری کنشی و ماقبل بزهکاری بوده و مرحله ثالث آن هم به مرحله‌ی پس از بزهکاری مربوط شده و جنبه‌ی واکنشی دارد.

در پیشگیری کنشی با مجموعه‌ای از اقدامات و تدابیر کنشی سر و کار داریم که پیش از ارتکاب بزه با مداخله در فرآیند فعلیت یافتن عمل مورد نظر، در صدد جلوگیری از بزهکاری هستیم. پیشگیری از بزهکاری را با توجه به شکل اجرای آن در عمل، به سه دسته اولیه، ثانویه و ثالث تقسیم می‌کنند. به همین دلیل، محققان سلامت عمومی و مداخله‌گران، برنامه‌های پیشگیری در حوزه‌ی اعتیاد را عموماً در سطوح سه‌گانه و بر اساس افراد، گروه‌ها، مکان و موقعیت‌هایی که موضوع اقدامات پیشگیرانه قرار می‌گیرند طبقه‌بندی می‌کنند.

الف) پیشگیری اولیه: مخاطب پیشگیری اولیه، کل جمعیت بدون لحاظ عوامل خطر خاص است. لذا برنامه‌های متاثر از این نوع پیشگیری، عمومی و همگانی است و هدف اصلی آن ممانعت از شکل‌گیری و ایجاد مسئله و مشکل اعتیاد است. پیشگیری اولیه، اولین روش دورنگهداشتن افراد سالم از مواد قابل مصرف تحت کنترل یا غیرقانونی است. این نوع پیشگیری به آموزش، اطلاعات اساسی درباره‌ی مواد مختلف و خطرات آن‌ها با ایجاد نگرش منفی نسبت به مصرف مواد، تقویت مهارت‌های لازم برای تشخیص

موقعیت‌های خطرناک و احتراز از آن‌ها و آموزش مهارت‌های اجتماعی ضروری برای مقاومت در برابر فشار گروه همسالان در استفاده از مواد تأکید دارد (آتشین، ۱۳۸۰). هدف از این نوع پیشگیری کاهش مصرف مواد مخدر و به تعویق انداختن شروع سوء مصرف مواد در اجتماع است چرا که آسیب‌پذیری در برابر سوء مصرف مواد معمولاً با بالا رفتن سن کمتر می‌شود. هر چه این برنامه‌ها در مراحل اولیه آغاز شود شانس موفقیت بیشتری را خواهد داشت. در این مرحله هدف از پیشگیری آن است که عوامل بازدارنده اعم از راهنمایی‌های فرهنگی، مذهبی، اقدامات بهداشتی و اجرایی طوری انجام شود که مانع از آشنایی و گرایش افراد به مواد اعتیادآور باشد (عزیزی، ۱۳۸۴). مهم‌ترین گروه سنی که می‌تواند جامعه‌ی هدف برنامه‌های پیشگیری اولیه محسوب گردد، کودکان و نوجوانان هستند. این گروه‌ها در سنینی به سر می‌برند که میزان خطرپذیری آن‌ها بالا است (معصومی‌راد، ۱۳۸۹). در این مرحله از پیشگیری، یکی از اهداف مهم این است که افراد به ویژه جوانان و نوجوانان، با افراد معتاد و نیز با کسانی که احیاناً آلوده به مواد مخدر هستند، روابط کنترل شده‌ای داشته باشند.^۱ برای کاهش تقاضا بایستی زیربنایی اقدام کرد. از یک جهت، زمینه‌هایی که موجب اعتیاد جوانان و نوجوانان و دیگر افراد جامعه می‌شود را از بین برد یا به حداقل رساند و از جهت دیگر، با تشکیل تیم‌های متخصص در

۱. محققان برای پیشگیری اولیه از اعتیاد شیوه‌های گوناگونی قائلند که به شرح زیر مطرح می‌گردد:
 ۱- نخستین مرحله‌ی پیشگیری را باید از زمان تشکیل نطفه آغاز کرد زیرا نتایج تحقیقات زیست‌شناختی، بیانگر این است که سوء مصرف مواد در توارث اثر می‌گذارد. ۲- عدم دسترسی به مواد مضر اعتیادآور. ۳- تغییر باورهای مردم که اعتقاد دارند مواد مخدر باعث بهبودی بعضی از امراض می‌شود. ۴- جدا کردن کودک از خانواده‌ی معتاد. ۵- آگاه کردن مردم از طریق رسانه‌های جمعی. ۶- دور کردن از استرس‌ها. ۷- جلوگیری از شرکت کودکان و نوجوانان در مهمانی‌های نامناسب و دوری از دوستان ناباب. ۸- خودداری از رفتارهای تبعیض‌آمیز والدین با فرزندان و ایجاد رابطه‌ی صمیمانه با فرزندان و القای یک هدف عالی برای آن‌ها. ۹- پرکردن اوقات فراغت با سرگرمی‌های مفید. ۱۰- فراهم آوردن محیط‌های سالم ورزشی. ۱۱- چاپ کتب درسی و کمک درسی که به بچه‌ها آموزش فرهنگی مناسب در مورد مصرف مواد مخدر بدهد. ۱۲- فراهم ساختن فرصت‌های شغلی متناسب با نیاز جمعیت برای پیشگیری از ایجاد اضطراب و ناامیدی ناشی از بیکاری. ۱۳- آموزش والدین از طریق رسانه‌های جمعی و انجمن اولیاء و مربیان. ۱۴- آموزش مهارت‌های اجتماعی و بالا بردن توان و مقاومت افراد در برابر فشار و اسرار همسالان در مبادرت به ناهنجاری‌ها و رفتارهای پرخطر. ۱۵- ایجاد اشتغال و ارتقاء سطح رفاه و به تبع آن کاهش فقر و محرومیت. ۱۶- کنترل و نظارت بر حاشیه شهرها و مناطق پرخطر و محلات در معرض آسیب‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی. (www.aftabir.com)

کلینیک‌های تخصصی، در مان اساسی را انجام داد تا افراد پاک شده مجدداً دچار لغزش عود نشوند.

ب) پیشگیری ثانویه: پیشگیری گزینشی یا ثانویه، بیشتر در خصوص جمعیت آسیب پذیر در برابر خطر، بزهکاری یا بزه دیدگی مطرح است (جندلی، ۱۳۹۳). در این نوع پیشگیری به محض اطلاع از مورد بایستی چاره‌ای اندیشید که این تجربه تکرار نشود و از تمام راه‌هایی که در مرحله‌ی قبل گفته شد می‌توان استفاده کرد. ولی باید انگیزه‌ی فرد را در تجربه و سوءاستفاده ماده‌ی مورد مصرف به خوبی پیدا کرد و شناخت. فقط در این صورت است که می‌توانیم بهترین شیوه‌ی پیشگیری را انتخاب کنیم (عزیزی، ۱۳۸۴). اگر این مرحله به طور جدی و صحیح اجرا شود، به تدریج می‌تواند آثار محرومیت را کاهش دهد (یعنی احتیاج شدید غیر قابل مقاومت) و در صورت استمرار منجر به ترک اعتیاد گردد (اسعدی، ۱۳۸۱). در برخی موارد که قطع مصرف مواد به دلایلی ممکن نیست، برنامه‌های کاهش آسیب دنبال می‌شود و این برنامه‌ها عمدتاً با هدف کلی فراهم آوردن امکان دسترسی قانونی به ماده مورد مصرف یا جانشین آن، جلوگیری از ابتلا به بیماری‌های ایدز و هپاتیت و کمک به افراد معتاد اجرا می‌شوند تا از وارد آمدن آسیب‌های بیشتر به بیمار و جامعه پیشگیری گردد (معصومی‌راد، ۱۳۸۹). هدف از پیشگیری ثانویه درمان صحیح و به موقع و جلوگیری از مصرف مکرر مواد مخدر برای فردی است که مصرف مواد را حتی برای یک بار تجربه کرده است. برنامه‌های پیشگیری ثانویه با توجه به جامعه هدف و براساس میزان، دفعات و سال‌های مصرف می‌تواند متفاوت باشد. عده‌ای از این گروه ممکن است هنوز در مرحله مصرف تفریحی و گهگاه مواد باشند، در حالی که عده‌ای دیگر احتمال دارد به مرحله‌ی وابستگی روانی یا جسمانی رسیده باشند (خسروانی، ۱۳۹۴). معمولاً افرادی که برای پیشگیری ثانویه در نظر گرفته می‌شوند، در مقایسه با گروه هدف برنامه‌های پیشگیری اولیه در سنین بالاتری قرار دارند و تعداد قابل توجهی از آن‌ها علاوه بر مشکل سوء مصرف مواد مخدر با عواقب ناشی از آن (اختلالات خانوادگی، از دست دادن کار، ناراحتی‌های جسمی و روانی و مشکلات مالی هم درگیرند (آشتیانی، ۱۳۸۵). اختلالات ناشی از سوء مصرف و وابستگی به مواد موجب طرد شدن شخص از صحنه‌ی

اجتماع می شود، بنابراین اقدامات پیشگیرانه می تواند در مرتفع نمودن این نوع معضلات کار ساز و مفید باشد.

ج) پیشگیری ثالث: پیشگیری ثالث یا خاص ناظر بر افرادی است که قبلاً مرتکب عملی خلاف هنجار حقوقی (جرم) یا اجتماعی (انحراف) شده یا پیش از این بزه دیده واقع شده اند (جندلی، ۱۳۹۳). در اصطلاح مراکز ترک اعتیاد، پیشگیری ثالث به معنای باز توانی است. این مرحله که پس از درمان فرد مصداق پیدا می کند در وهله اول از آثار و پیامدهایی که اعتیاد در زندگی فردی و اجتماعی بیماران بر جای گذاشته، جلوگیری نموده و کمک می کند تا فرد به زندگی سالم اجتماعی ماقبل از اعتیاد خود باز گردد. در مرحله سوم بایستی با دقت بیشتری به شخصیت معتاد پرداخت و پس از ارزیابی نقاط ضعف و قوت از جهات مختلف شخص معتاد، اقداماتی را جهت بازگشت فرد به خانواده و جامعه و زندگی سالم و عادی قبل از بیماری اتخاذ نمود. بکارگیری برنامه های گوناگون حمایتی می تواند از بازگشت افراد معالجه شده به سوء مصرف مواد جلوگیری کند. از جمله این برنامه ها می توان به ایجاد اشتغال، بازسازی روابط اجتماعی و خانوادگی فرد معتاد، معالجه و برطرف کردن مشکلات جسمانی، روانی و اجتماعی حاصل از اعتیاد، توسط خانواده یا گروه های حمایتی نظیر NA و یا سازمان های دولتی ذیربط اشاره کرد (معصومی راد، ۱۳۸۹). هدف از این نوع پیشگیری، جلوگیری از عواقب و پیامدهای منفی بهداشتی و اجتماعی ناشی از سوء مصرف مواد مخدر از طریق برنامه های غیر دارویی است. پیشگیری ثالث معمولاً با گروه های سنی بالاتر، دارای سابقه سوء مصرف طولانی تر همراه با گرفتاری های شخصی و اجتماعی بیشتر، سر و کار دارد که بیشتر آن ها علاقه یا امیدی به رهایی از دام اعتیاد ندارند.

به طور کلی می توان اهداف پیشگیری ثالث یا باز توانی را به صورت زیر خلاصه کرد:

۱- بازگرداندن بیمار به زندگی سالم و عادی ماقبل اعتیاد و تداوم زمان ترک به طوری که حالت طبیعی قبل از اعتیاد به او باز گردد، ادامه ی زندگی برایش میسر شود و به استقلال فردی برسد تا به فردی مثبت برای خود و خانواده و جامعه تبدیل شود.

۲- صیانت جامعه به ویژه افراد در معرض آسیب به ویژه گروه سنی دانش آموزی یکی

دیگر از اهداف پیشگیری ثالث است. معمولاً افراد معتاد در اشاعه‌ی اعتیاد نقش مؤثری دارند زیرا معاشرت آنان با سایر افراد اجتماع به خصوص اقشار در معرض آسیب جامعه و گروه سنی دانش آموزی موجب گرایش به سمت مواد مخدر و روانگردان می‌گردد.

۳- بیمار انگاشتن معتاد به طوری که بتوان بین این افراد و سایر بزهکاران تفاوت قائل شد. در بسیاری از کشورهای جهان، معتاد یک بیمار تلقی می‌شود. به همین منظور برای معالجه به جای مجازات به مراکز ترک اعتیاد اعزام می‌شوند.

۴- در مرحله‌ی سوم پیشگیری، "درمان" در مورد بسیاری از معتادان ضرورت پیدا می‌کند. رایج شدن رویکرد بیمارگونه نسبت به معتاد، موجب شده است که این نوع بیماران به پزشک اعتماد کرده و برای درمان به وی مراجعه کند.

۵- مراقبت‌های ویژه پس از سم زدایی^۱ و جلوگیری از عود: عوامل مختلفی وجود دارد که موجب می‌شود فرد پس از سم زدایی و درمان خود، دوباره به مصرف روی بیاورد. از جمله‌ی این عوامل دوستان معتاد فرد ترک اعتیاد کرده هستند که با آنان در ارتباط بوده است. این گروه از آشنایان آلوده، دوباره فرد را به دام اعتیاد می‌کشانند. در ممانعت از این امر، نقش خانواده‌ها قابل توجه است. به هر میزان که فرد تحت درمان در جلسات مشاوره‌ی فردی شرکت کند، با دوستان مصرف کننده، کمتر معاشرت داشته و لذت جویی خود را برای مصرف مهار می‌کند و در نتیجه میزان عود، کاهش می‌باید (آشتیانی، ۱۳۸۵).

۶- هماهنگی اقدامات در مراحل سه گانه: با توجه به اینکه در علل اعتیاد جنبه‌های متعدد زیست‌شناختی، جامعه‌شناختی، جرم‌شناختی و روانشناختی طی فرآیندی پیچیده نقش دارند. اقدامات پیشگیرانه، درمانی و بازپروری معتادان کاملاً با یکدیگر مرتبط و جدایی ناپذیر هست و تدابیر مختلفی را می‌طلبد. بین افراد، نهادها و سازمان‌های دولتی، عمومی و خصوصی برای پیشبرد اهداف مورد نظر باید تفاهم و هماهنگی کامل برقرار باشد. از این رو، ارجاع کلیه‌ی مسئولیت‌های مربوط به مراحل سه گانه‌ی پیشگیری در

۱. در شروع درمان، یکی دو ماه، بیمار تحت نظر درمانگر، درمان دارویی می‌شود و مواد مصرف نمی‌کند و به اصطلاح سم زدایی می‌گردد. (معصومی‌راد، ۱۳۸۹: ۱۳۷)

سطح ملی یا محلی به یک نهاد یا سازمان واحد، عملی نخواهد بود (معصومی راد، ۱۳۸۹). برای آنکه برنامه‌ها و سیاست‌های پیشگیرانه در حوزه مبارزه با مواد مخدر نتیجه بخش باشد، بایستی از الگوها و دیدگاه‌های جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی تبعیت کرد. چرا که پیشگیری به صورت اجتماعی و کلی، طی یک فرایند نسبتاً طولانی شکل می‌گیرد.

بازدارندگی از اعتیاد در پرتو برنامه‌های پیشگیری اجتماعی

ماده‌ی یک قانون پیشگیری از وقوع جرم مصوب ۷ شهریور ۱۳۹۴ تعریف نسبتاً جامعی از پیشگیری ارائه کرده است: «پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای از بین بردن یا کاهش آن، پیشگیری از جرم است». به همین دلیل، برای یافتن راهکار همه‌جانبه و بلندمدت نسبت به معضل اعتیاد، در این قسمت به پیشگیری وضعی و به خصوص اجتماعی پرداخته می‌شود.

در ابتدا باید اشاره کرد که در کنار پیشگیری اجتماعی یکی دیگر از شاخه‌های اصلی جرم‌شناسی پیشگیری، پیشگیری وضعی است. این نوع پیشگیری یعنی مداخله در اوضاع و احوال ماقبل بزهکاری که فرد را در آستانه‌ی ارتکاب جرم قرار می‌دهد. چنانچه سبیل جرم در شرایط خاصی بوده و امکان دستیابی به آن آسان باشد، مجرم دست به انتخاب و ارتکاب آن خواهد زد. پس هدف از پیشگیری وضعی اقداماتی است که اوضاع و احوال موجود در آستانه‌ی ارتکاب جرم را برهم می‌زند. پیشگیری وضعی بر خلاف پیشگیری اجتماعی به دنبال محدود ساختن فرصت‌های ارتکاب جرم است. در واقع در این نوع پیشگیری سعی می‌شود با ترکیب تدابیر مختلف، شرایط جرم‌زا تغییر و دورنمای ارتکاب بزه، برای بزهکار پرهزینه شود. این هدف، از طریق پیچیده کردن شرایط مادی ارتکاب جرم، افزایش احتمال دستگیری و کاهش منافع احتمالی محقق می‌شود (ابراهیمی، ۱۳۹۰). پیشگیری از وقوع جرایم مختلف، به ویژه پیشگیری وضعی، نقش اساسی در جلوگیری از وقوع جرایم مختلف به ویژه جرایم خیابانی دارد. اما اعتیاد و سوء مصرف مواد مخدر صنعتی از جمله جرایم آپارتمانی محسوب شده و معمولاً در خفا ارتکاب می‌یابد. وجود آزمایشگاه‌های خانگی تولید مواد مخدر صنعتی به خصوص شیشه موجب می‌شود که

اقدامات پیشگیرانه‌ی وضعی در این حوزه خیلی کارساز نباشد. زیرا گرایش افراد به مصرف مواد دلایل فردی و اجتماعی دارد. لذا برای کاهش میزان این نوع جرایم، بایستی به راهبردهای فرهنگی - اجتماعی متوسل شد.

پیشگیری اجتماعی بر مبنای رویکرد عوامل بزهکاری مبتنی است و به دنبال تعیین عوامل بزهکاری، سازماندهی برنامه‌هایی به منظور مقابله با آن و تغییر شرایط اجتماعی و اقتصادی نامناسبی است که فرد در آن زندگی می‌کند و منشأ رفتارهای ضد اجتماعی وی می‌شود (ابراهیمی، ۱۳۹۰). پیشگیری اجتماعی (خواه رشد مدار و خواه محیط مدار) را می‌توان یک پیشگیری شخاص محور تلقی کرد. زیرا کلیه‌ی اقدامات، روی خود فرد یا محیط وی صورت می‌گیرد. در این نوع پیشگیری تلاش می‌شود با انجام برنامه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، رفاهی و نظایر آن‌ها و درمان ناهنجاری‌های اجتماعی و بالا بردن ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی شرایط یک منطقه و نیز وضعیت مجرمان بالقوه اعتلا یافته و این روند به کاهش میزان جرم بینجامد. پیشگیری اجتماعی در واقع، به دو نقطه‌ی یک خط شبیه است که در یک طرف آن، فرد و خانواده و در طرف دیگر جامعه یا محیط قرار دارد و خانواده نیز خود بخشی از محیط است ولی خانواده بستر تولید و تربیت اولیه‌ی فرد است (بیات، شرافتی‌پور و عبدی، ۱۳۸۷). هدف پیشگیری اجتماعی تقویت بنیادهایی است که با اثرگذاری بر گروه‌های در آستانه خطر به جامعه‌پذیری فرد کمک می‌کند. به دیگر سخن، پیشگیری اجتماعی به دنبال هم‌نوا ساختن فرد با قواعد اجتماعی از رهگذر آموزش و پرورش است. آنچه دست اندرکاران پیشگیری باید انجام دهند، بیرون بردن هر چه بیشتر افراد از نظام کیفری است (رایجیان اصلی، ۱۳۸۳) بر همین اساس، اندیشمندان اروپایی همکاری پلیس را با گروه‌های پیشگیری مانعی برای پیشرفت یک راهبرد واقعی پیشگیری اجتماعی از جرم دانسته‌اند (اسکوئیث^۱، ۱۹۹۴). ایجاد تغییرات پایدار در آن دسته از جوانانی که خطر ارتکاب جرم آنان را تهدید می‌کند، پیشگیری از رشد و توسعه‌ی ناسازگاری، تشویق به تغییر موضع از هنجارشکنی به هنجارمندی در زندگی اجتماعی و مقاوم‌سازی افراد آسیب‌پذیر در برابر وسوسه‌های بزهکاری از جمله اهدافی است که

پیشگیری اجتماعی عمدتاً به دنبال آن است (ابراهیمی، ۱۳۹۰). برای آنکه پیشگیری اجتماعی مؤثر واقع شود، بایستی از جهات مختلفی از جمله، محیط زندگی، کار، تفریح، تحصیل و خانواده مورد توجه قرار گیرد. در ذیل به برخی از مهم ترین مسائلی که در پیشگیری از جرم از جمله معضل اعتیاد مؤثر است در قالب دو بخش پیشگیری محیط مدار و رشد مدار پرداخته می شود.

پیشگیری محیط مدار

برنامه های محیط مدار بر نظریه های جامعه شناختی بزهکاری مبتنی است و بیشتر به دنبال کاهش بزهکاری جوانان از طریق تغییر محیط اجتماعی محل زندگی آنان است (ابراهیمی، ۱۳۹۰). در واقع، این نوع پیشگیری به دنبال این است که اگر در محیط عوامل جرمزا وجود داشت آن ها را خنثی سازی کند (نجفی ابرند آبادی و هاشم بیگی، ۱۳۹۳). پاسخ های کیفری نمی تواند در پیشگیری از جرم مؤثر باشد بلکه تالی فاسد هم دارد. زیرا مشکل فقط از خود فرد نیست که با مجازات یا برنامه های اصلاح و درمان، بتوان افراد بزهکار را از این طریق، باز اجتماعی کرد بلکه معمولاً یک سری معضلات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی موجب بزهکاری افراد می شود. در این شرایط افراد مورد نظر خود را قربانی جامعه می دانند. با توجه به تأثیر عوامل گوناگون محیطی، در ذیل به چند مورد پرداخته می شود.

الف- اشتغال: بیکاری از عوامل اجتماعی زمینه ساز در بروز بزهکاری است. از نظر آسیب شناسان اجتماعی، بیکاری و فقر می تواند عامل عمده ای در پیدایش نابسامانی رفتاری و روانی و در نتیجه بالا رفتن انواع کجروی های اجتماعی به خصوص اعتیاد به مواد مخدر و حتی خودکشی باشد (بیات و همکاران، ۱۳۸۷). به نظر هیرشی شاغل بودن، فرصت فعلیت های بزهکارانه را محدود می سازد (چلبی و روزبهرانی، ۱۳۸۰). مهم ترین عامل شغلی مرتبط با اعتیاد، بیکاری است. بیکاری در واقع به عنوان یک پدیده ای اجتماعی زمینه ای مساعدی را برای انحرافات به ویژه اعتیاد ایجاد می کند. بیکاری و عدم اشتغال نه تنها باعث ناتوانی خانواده ها در تأمین زندگی اقتصادی و رفاه مادی و معنوی می شود بلکه استحکام شخصیتی، ثبات اخلاقی، مناعت طبع و امید به آینده را از فرد می گیرد. معتادان افرادی

هستند که از نظر جسمی و روحی به مواد مخدر وابسته هستند و اغلب منابع مالی و شغلی خود را از دست داده یا اصلاً فرصت و توان اینکه فرصت یا شغلی را فراگیرند، نداشته‌اند (برجاس، ۱۳۹۱). یکی از عوامل اجتماعی جوانان، مسئله‌ی کار (نه صرفاً بیکاری) است. اگر فرصت‌های شغلی موجود در یک شهر یا منطقه و یا استان، بیش از حد مورد نیاز نیروی کار موجود در آن منطقه باشد، نیروی کار موجود در آن منطقه پاسخگوی مراکز شغلی مورد نظر نخواهد بود. بنابراین، نیروی کار لازم بایستی از مناطقی که به نوعی دچار بحران اشتغال است، تأمین شود. مهاجرت اشخاص به مناطق صنعتی برای کاریابی، مسائل و مشکلاتی را برای شهروندان مهاجرپذیر، ایجاد می‌کند. افرادی که به این منظور (کار) به شهرهای صنعتی مهاجرت می‌کنند، به دلیل مشکلات مالی در حاشیه‌ی شهرها ساکن می‌شوند. در این مناطق به دلیل ساخت و سازهای غیرمجاز، فضا و امکانات کافی برای تفریح و اوقات فراغت نیست. از طرف دیگر، افراد مهاجر از کنترل‌های سنتی و قوی خود جدا شده و در مکان جدید، این شرایط کنترلی یا وجود ندارد یا ضعیف می‌باشد. به همین خاطر، احتمال گرایش فرد به سوی بزهکاری مثل اعتیاد بسیار زیاد است (نوروزی و افراسیابی، ۱۳۸۹).

جمعیت آسیب‌پذیر که معمولاً در گروه‌های سنی ۱۵ تا ۲۵ ساله قرار می‌گیرد، به علت عدم دستیابی به شغل مناسب در جامعه، آسیب‌پذیرتر است. یعنی کسانی که به خاطر ضعف در برنامه‌ریزی‌های اشتغال نتوانسته‌اند کار مورد نظر را به دست آورند، در معرض آسیب‌ها قرار می‌گیرند. چنین معضلی امروزه در بسیاری از نقاط جهان مخصوصاً در نقاط شهری جهان سوم به چشم می‌خورد. چنین وضعیتی خود تا حدود زیادی به مسئله‌ی جمعیت و رشد بی‌رویه‌ی آن مربوط می‌شود. عدم برنامه‌ریزی در این زمینه مشکل بیکاری را به دنبال داشته و خود بیکاری سر منشأ بسیاری از انحرافات اجتماعی است (شیخی، ۱۳۹۰). اقتصاد مثل یک شمشیر دو لبه است که اگر جانب اعتدال رعایت نشود، از هر طرف زیانبار خواهد بود. کمبود فرصت‌های شغلی، مسائل خاص خود را دارد و فراوانی آن نیز مسائل دیگری را رقم خواهد زد. مثلاً عدم وجود فرصت‌های شغلی، یکی از عوامل جرایم علیه اموال خواهد بود. وجود فرصت‌های شغلی بیش از حد در برخی مناطق نیز

سبب می شود که والدین نوجوانان به صورت چند شیفته در فعالیت های شغلی و اقتصادی درگیر و از کنترل فرزندان خود غافل شوند (نوروزی و افراسیابی، ۱۳۸۹). می توان با بهبود وضعیت اقتصادی، کار و مسکن و ایجاد شغل های مناسب، جلوی بسیاری از اختلالات سوء مصرف مواد را گرفت. نداشتن شغل مناسب و بیکاری، در بسیاری از مواقع سبب کشیده شدن جوانان و نوجوانان به مواد اعتیاد آور می شود. به همین خاطر، نتایج تحقیقات حاکی از این است که بین سوء مصرف مواد و شاخص های محرومیت اجتماعی نظیر بیکاری و بی خانمانی رابطه معناداری وجود دارد (برجاس، ۱۳۹۱). یکی از مواردی که زمینه را برای اشتغال افراد جامعه فراهم می کند، ایجاد کارگاه های آموزشی و (حرفه ای) است. کارگاه های آموزشی می تواند در جامعه پذیر کردن جوانان و نوجوانان و همسو کردن آنها با جامعه مؤثر واقع شود. در یکی از برنامه های آموزشی که برای پیشگیری از وقوع جرم و امنیت شهری در فرانسه انجام شد، نتایج حاکی از این بود که جوانان گروه هدف، توانستند با موفقیت هایی از جمله افزایش اعتماد به نفس، ایجاد انگیزه جهت انجام یک کار، چگونگی انطباق با گروه و انجام کار گروهی و زندگی جمعی، تجربه ی اولین کار اقتصادی و آشنا شدن با واقعیت های دنیای کار، دست یابند. کارگاه آموزشی که شرایط را برای ورود به کار حرفه ای و انزوای جوانان مهیا می کند، با تمرکز بر تولید و خدمات قلمرو فعالیت های فصلی را توسعه می دهد (ابراهیمی، ۱۳۹۰).

ب- تأمین اوقات فراغت: کمبود امکانات برای پاسخگویی به نیازهای طبیعی، روانی و اجتماعی نوجوانان و جوانان از قبیل کنجکاوی، تنوع طلبی، هیجان، ماجراجویی، تأیید و پذیرفتن و کسب موفقیت بین همسالان، موجب گرایش آنها به کسب لذت و سرگرمی از طریق مصرف مواد مخدر و عضویت در گروه های کجرو می شود. نبودن سینما، تئاتر، ورزشگاه، کتابخانه ی عمومی و بسیاری از مراکز دیگر که می توانند اوقات بیکاری جوانان را پر کنند، سبب گرایش آنها به اعتیاد و سایر تفریحات ناسالم می شود (برجاس، ۱۳۹۱). در پر کردن اوقات فراغت جوانان بویژه در ایام تعطیلات و فصل تابستان، برگزاری مسابقات ورزشی مانند فوتبال، بسکتبال، کشتی و نیز اردوهای فصلی از جمله برنامه هایی است که معمولاً با استقبال مواجه بوده و بسیار مفید و مؤثر است (ابراهیمی، ۱۳۹۰). چگونه

گذراندن اوقات فراغت، نقش مهمی در میزان گرایش جوانان و نوجوانان به استفاده از مواد مخدر دارد. سنین ۱۷ تا ۲۵ سالگی را می توان سنین بحرانی نامید. زیرا بسیاری از معتادان در این دوران برای اولین بار، مواد مخدر استعمال نموده اند. اوقات فراغت نیز نقش اساسی داشته و بخشی از چالش ها و تلاش ها در ایجاد فعالیت های مفید و سازنده برای اوقات فراغت جوانان، به این خاطر است که از بروز فعالیت ها و سرگرمی های مخرب و جلب توجه جوانان به مواد مخدر و دیگر انحرافات جلوگیری شود. زیرا اوقات فراغت مانند چاقوی دو لبه عمل می کند. بدین معنا که اگر اوقات فراغت بی برنامه باشد، زمینه ی دوستی با افراد کجرو و گرایش به سمت مواد مخدر را فراهم خواهد آورد. می توان با برنامه ریزی دقیق، از یک طرف، زمینه ی انحراف و کجروی را از بین برد و از طرفی دیگر، با تقویت روحیه، شادابی و نشاط، پیشرفت و آموزش های لازم، آن ها را سازماندهی کرد (برجاس، ۱۳۹۱).

یکی از عوامل بازدارنده ی افراد از روی آوردن به جرایم و انحرافات و تقویت اراده ی آن ها، ایجاد روحیه ی سالم در ایشان و تشویق به امر ورزش است که متولی اصلی این امر در کشور ما و مسئول جهت دهی به فعالیت های ورزشی، سازمان تربیت بدنی می باشد. این سازمان می تواند با ورزش و تمرکز روی افراد و همگانی کردن و قرار دادن آن در دسترس اقشار جامعه به خصوص جوانان، این امکان را فراهم نماید که اوقات آنان را با تفریح سالم جایگزین کند (ایرانشاهی، ۱۳۸۹). بخش عمده ای از اوقات فراغت، مربوط به احساسی است که در طول اوقات فراغت به جوانان دست می دهد به طوری که آن دسته افرادی که معتاد شده اند از اوقات فراغت گذشته ی خود ناراضی بوده اند. در راهبردهای پیشگیری و درمان اعتیاد به مواد مخدر، بایستی سعی شود با فراهم آوردن امکانات مناسب برای استفاده ی بهتر از اوقات فراغت، نگرش مثبت و جذاب نسبت به اوقات فراغت در جوانان به وجود آورد تا از این اوقات برای تقویت روحیه ی خود استفاده کنند (برجاس، ۱۳۹۱). می توان برای خانواده ها فرصت هایی ایجاد کرد که جوانان به مجالس مذهبی، کلوپ های ورزشی، تفریحات سالم، دیدن فیلم های آموزنده و اماکن تفریحی و گردشگاه ها و مسافرت بروند.

انسان در سنین مختلف نیاز دارد که به تفریح و سرگرمی در هنگام اوقات فراغت پردازد که این امر در دوره‌ی جوانی و نوجوانی بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد، چرا که انسان در این دوره بسیار پرنرژی است. اگر این پتانسیل و دوره‌ی حساس به درستی مدیریت و هدایت نشود، ممکن است مشکلات زیادی از جمله گرایش به سمت اعتیاد و بزهکاری را به دنبال داشته باشد. به نظر می‌رسد از جمله ارگان‌هایی که در این زمینه می‌توانند نقشی تعیین کننده داشته باشند، وزارت ورزش و جوانان و نیز شهرداری‌ها هستند. می‌توان با ایجاد فضای کافی برای ورزش در هنگام فراغت و همچنین دادن تسهیلات لازم و مناسب برای ازدواج این قشر از جامعه، خلأهای موجود را پر کرد. شهرداری‌ها نیز با فراهم نمودن مکان‌هایی از جمله پارک‌های مناسب و کنترل‌گر به طوری که از نظارت اجتماعی بالایی برخوردار باشند می‌توانند نقش مهمی را ایفا کنند. اگر پارک‌ها از نظارت اجتماعی لازم برخوردار باشد، زمینه‌ی ارتکاب جرم به ویژه خرید و فروش مواد مخدر یا استعمال آن در کنار و گوشه‌ی پارک‌ها محدود شده یا از بین می‌رود. همچنین احداث مکان‌های فرهنگی توسط شهرداری برای گذراندن اوقات فراغت افراد جامعه به خصوص قشر جوان و نوجوان، می‌تواند در پیشگیری از جرم، نقش تعیین کننده داشته باشد.

ج- نوسازی شهری و کنترل محلات جرم‌خیز: یکی از محیط‌های اجتماعی که محل اجرای برنامه‌های اجتماعی است، مناطق شهری یا زیست‌بوم جرم‌خیز است. در این نوع مناطق، علی‌رغم جابجایی جمعیت و تغییر ترکیب آن، آمار بزهکاری قابل توجه است. در این محیط، کنترل اجتماعی غیر رسمی کم‌رنگ شده و فرآیند جامعه‌پذیری جوانان و نوجوانان تغییر پیدا کرده است. آن‌ها به جای الگوبرداری از مدل‌های اجتماعی، بیشتر از همسالان خود الگو برداری می‌کنند. در این فضا، جامعه‌پذیری جوانان و نوجوانان در درون باندهای مجرمانه شکل می‌گیرد (ابراهیمی، ۱۳۹۰). شاو و مک کی معتقدند که پیشگیری بایستی از محلات و گروه‌ها شروع و به مرمت و عمران محلات ختم شود و در پیشگیری از جرم، نقش اعضای محله قابل توجه است. به عقیده‌ی این دو، پیشگیری رسمی به دلیل عدم شناخت شرایط خاص محله‌ها، اقداماتی سطحی و بی‌فایده هستند. اما پیشگیری غیر رسمی یا محلی، مردم محله را درگیر در امر پیشگیری می‌کند. برای مثال

فقط افراد محله واقف هستند که مثلاً محل تجمع معتادین کجاست و چگونه می‌توان آن محل را تغییر کاربری داد (ابراهیمی، ۱۳۹۰). مطالعات شاو و مک کی نشان داد که در محله‌هایی که نظم اجتماعی از هم گسیخته است، بزهکاری بیشتر است. آنچه که میزان بزهکاری افراد را در این محلات افزایش می‌دهد، فضای حاکم بر یک محله است یعنی فضای حاکم بر آن محله‌ها به گونه‌ای است که هر کس وارد آنها شود، به دلیل وجود نظم اجتماعی موجود در آن، مرتکب جرم می‌شود. شیوه‌های اصلی کنترل جرم از هم پاشیده شده و احساس تعلق به فرهنگ اصلی از بین رفته است و نمونه‌ای از عمران و آبادانی و فرهنگ در این محلات وجود ندارد (ولد و همکاران، ترجمه شجاعی، ۱۳۹۰). از جمله مناطق جرم‌خیز شهری، محله‌های حاشیه‌ای است. حاشیه‌نشینی در بردارنده‌ی فرصت‌ها و موقعیت‌های فراوان ارتکاب جرم است. در بیشتر موارد، افراد مناطق حاشیه‌نشین در محلات مرفه‌نشین یا متوسط نشین شهر اقدام به ارتکاب جرم می‌کنند. توزیع و ساخت مواد مخدر و مشروبات الکلی نیز در این مناطق بیشتر به چشم می‌خورد. کانون‌های جرم‌خیز ابتدا حواشی شهرها و سپس نقاط مرکزی است. این مناطق در واقع محل تجمع بزهکاران و بزه‌دیدگان فراوان است (خانعلی‌پور، ۱۳۹۰).

تأمین ارزاق و مایحتاج عمومی و مراقبت در اجرای برنامه‌های عمرانی و نوسازی و بهسازی، همگی از مصادیق پیشگیری اجتماعی است که زمینه‌های وقوع جرم را حذف و از بین می‌برد و به ویژه آن که نوسازی، شهرک‌سازی و عمران، رویکردهای نوین از پیشگیری اجتماعی هستند. در واقع محیط شهری دارای قابلیت‌ها و ظرفیت‌هایی است که می‌تواند برخی از انواع رفتار را تسهیل کند یا آن‌ها را ترویج نماید (ایران‌شاهی، ۱۳۸۹). مناطق درون شهری که شرایط محیطی نامطلوبی دارند و برای تجمع مهاجران تازه وارد، مناسب هستند به همراه زاغه‌های حومه‌ی شهر که دارای تراکم بالایی هستند به عنوان مکان‌هایی با بیشترین میزان جرایم و بزهکاری شناخته شده‌اند. ارتکاب جرایم معمولاً در مناطقی با سطح درآمد پایین، تجمع نژادی، خانه‌های مخروبه، بیکاری زیاد، تراکم بالای جمعیت و محله‌های نابسامان اتفاق می‌افتد (بیات و همکاران، ۱۳۸۷). مدیریت شهری با تکیه بر برنامه‌های اجتماع‌محور محلات، توانمندسازی و اقتدار افزایی ساکنان محلات و

ایجاد بستر مناسب برای کار و فعالیت جوانان با گسترش همکاری نهادهای مردمی و غیر دولتی در امر مبارزه با مواد مخدر می توان در پیشگیری از جرم نقش مهمی داشته باشد (خسروانی، ۱۳۹۴). شهرداری نقش مهمی را در ارتقاء سطح فرهنگ و آگاهی مردم در جلوگیری از ورود آن‌ها به قلمرو جنایی دارد (ایرانشاهی، ۱۳۸۹). اگر مناطق حاشیه و فرسوده ی شهری از نظر بهداشتی و نظم اجتماعی مورد بی توجهی واقع شود، این امر بالقوه جرم زاست. افراد بزهکار، معمولاً چنین مناطقی را برای زندگی انتخاب می کنند چراکه هم نظارت اجتماعی ضعیف است و هم با افراد کجرو بهتر ارتباط برقرار می کنند. این مسئله، آسیب های اجتماعی زیادی از جمله: اعتیاد، روسپیگری، خرید و فروش مواد مخدر و ... را به دنبال دارد زیرا این مناطق، هم از نظر اجتماعی - فرهنگی و هم از نظر اقتصادی دچار آشفتگی و بی سازمانی می باشند.

۲) پیشگیری رشد مدار

پیشگیری رشد مدار یکی از انواع پیشگیری اجتماعی است که به دنبال بهبود پایدار توانایی های اجتماعی اطفال و نوجوانانی است که خطر گرایش آن‌ها به حوزه ی بزهکاری زیاد می شود. این نوع از پیشگیری بر این تفکر استوار است که رفتارهای اکتسابی دوران رشد (تولد تا بزرگسالی) زمینه ساز ارتکاب اعمال مجرمانه می شود. به همین دلیل، تحقیقات علمی بیانگر آن است که مداخلات فشرده نسبت به اطفال و نوجوانان در معرض خطر و خانواده های آنان می تواند مانع ریشه دار شدن بزهکاری در نوجوان و رشد و توسعه ی اجتماعی آنان نیز بشود (ابراهیمی، ۱۳۹۰). نتایج یک تحقیق حاکی از این بود که سوء استفاده جنسی و بدنی در دوران کودکی از یک شخص، با تعدادی از مشکلات از جمله مصرف روزانه مواد مخدر و الکل، در بزرگسالی همراه بوده است (چن و گتا، ۲۰۱۵). هدف پیشگیری رشد مدار، بهبود پایدار صلاحیت های اجتماعی اطفال و نوجوانانی است که زمینه ی بزهکاری در آن‌ها وجود دارد. این برنامه ها در پی احیای شرایطی هستند که اجازه دهد تا توانایی های فکری، اخلاقی و اجتماعی طفل و نوجوان رشد کند (ابراهیمی، ۱۳۹۰). ویژگی این نوع پیشگیری آن است که علاوه بر خود فرد، شامل

اشخاص و محیط‌هایی می‌شود که وی را مجهز به وسایل مقاومت در مقابل جرم نکرده‌اند. در پیشگیری رشد مدار در دوره‌های مختلف رشد جسمانی و عقلانی، یک سلسله اقدامات مناسب صورت می‌گیرد تا در آینده طفل مرتکب جرم نشود. البته اقدامات، بلند مدت بوده و ممکن است حدود بیست سال جواب دهد. آنچه در پیشگیری رشد مدار ملاک است آموزش مهارت‌های اجتماعی به کودک و والدین اوست. کودک بایستی یاد بگیرد که چگونه با پرخاشگری مبارزه کند و خواسته‌ی خود را بدون تهدید بیان کند. این نوع پیشگیری با آموزش الفبای زندگی و احیای مهارت‌های زندگی اجتماعی مرتبط است. پیشگیری رشد مدار، مداخله‌ی زود هنگام نسبت به طفل، خانواده و مدرسه را تجویز کرده و دارای خصوصیت تربیتی و فنی است (بابایی، ۱۳۹۰). عوامل مختلفی در هنجارپذیری یا هنجارگریز شدن کودک یا نوجوان مؤثر است که با رشد شخصیتی این افراد رابطه‌ی غیرمستقیم دارد. نهادهای مختلفی در این نوع پیشگیری، مؤثر نقش دارند که به چند مورد از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود.

الف- خانواده: خانواده به عنوان کوچک‌ترین واحد اجتماعی، نقش عمده‌ای در پیدایش جامعه و عملکردهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن دارد. بر اساس بنیاد خانواده است که جوامع بزرگتر بشری ظهور کرده‌اند. خانواده برطرف‌کننده‌ی نیازهای مختلف انسان است. به همین خاطر، حرکت بهتر جامعه یا عملکردهای اجتماعی جامعه در گرو حرکت بهتر خانواده است. این نهاد به عنوان یک نهاد اجتماعی، بیشترین وظایف را در قبال اعضای خود دارد. مهم‌ترین وظیفه‌ی خانواده، موضوع تربیتی اعضا و افراد آن به ویژه قبل از تحصیلات رسمی است. جریان اجتماعی کردن یا فرهنگ‌پذیری از خانواده ناشی می‌شود (شیخی، ۱۳۹۰). مشکل اساسی که پیشگیری رشد مدار به دنبال ارائه‌ی راه حل برای آن است، قصور والدین در تربیت فرزندان است. بعضی از این والدین اصلاً نمی‌دانند که چگونه بایستی خود کنترلی را به فرزندان خود یاد بدهند. این معضل در خانواده‌های بد سرپرست و منزوی قابل توجه‌تر است. در حقیقت، تقویت ساز و کارهای خود کنترلی از طریق اهرم‌های خانوادگی می‌تواند نوجوانان را نسبت به زشتی و قبح عمل خود آگاه نموده و این امر را برای آن‌ها درونی کند (ابراهیمی، ۱۳۹۰). مداخلات

پیشگیری مبتنی بر خانواده، در پیشگیری از سوء مصرف مواد مخدر بسیار امیدوار کننده بوده است. برای اینکه برنامه‌های پیشگیری متمرکز بر خانواده مؤثر واقع شوند، باید متناسب با سن، جنسیت و نیازهای فرهنگی کودکان و خانواده‌هایشان طراحی شوند (کامفر و آلوارادو، ۱۹۹۸).

گسیختگی خانوادگی یکی از عوامل مهم دیگری در این زمینه است که در تولید رفتار بزهکارانه مؤثر است، زیرا زمانی که فرزندان، والدین خود را از دست می‌دهند، مراقبت، سرپرستی و کنترل و راهنمایی‌های آنان را از دست خواهند داد. گسیختگی خانوادگی فرایند جامعه‌پذیری فرزندان را با مشکل مواجه می‌کند. زیرا خانواده‌های تک والدی قادر نیستند الگوهای مناسبی برای فرزندان باشند. خانواده‌ی به هم ریخته منبع رفتارهای ضد اجتماعی است. بیشتر بزهکاران متعلق به خانواده‌هایی هستند که در آن محبت و تفاهم، اثر کمتری دارد و غالباً دارای خانواده‌هایی از هم پاشیده هستند (بیات و همکاران، ۱۳۸۷). شرایط نامساعد خانوادگی در کودکان و نوجوانان، ایجاد ناکامی و ناسازگاری می‌کند و بدون شک هرگونه نارسایی و نقص در ساخت خانواده می‌تواند از همان طفولیت در رشد و پرورش کودک تأثیر نامطلوبی داشته باشد. در محیط خانوادگی منسجم، اعضای خانواده برای رسیدن هریک از افراد به اهداف خود، ترغیب و تشویق می‌شوند. طلاق و وجود تنش‌های عاطفی در خانواده باعث محرومیت عاطفی می‌شود و محرومیت عاطفی از علل مهم گرایش فرد به اعتیاد محسوب می‌گردد. در خانواده‌های گسیخته و پر تنش، فرزندان در سنین مختلف، بحران‌های زیادی را تجربه می‌کنند که بعضی مواقع موجب فرار آنها از خانه شده و در نتیجه زمینه‌ی ورود وی را به جاده‌ی بزهکاری باز می‌نماید (برجاس، ۱۳۹۱). نوجوانی که در خانواده منسجم پرورش می‌یابد گرمی روابط، عواطف، عشق، علاقه موجود، احساس مسئولیت و تعهد اعضا را به یکدیگر احساس کرده و در نتیجه در قبال خواسته‌های بقیه اعضا احساس تعهد می‌کند (ادینیا و همکاران، ۱۳۹۵). در خانواده‌های گسیخته، بی‌سواد یا کم‌سواد یا دارای والدین معتاد، اجتماعی شدن به شکل کامل، صورت نگرفته و نظم خانواده مختل شده و کنترل اجتماعی متوقف می‌شود

(معدنی، ۱۳۸۱). بین سبک دلبستگی پدر و مادر و گرایش به اعتیاد رابطه‌ی وجود دارد. هر چه دلبستگی و انسجام خانواده ضعیف باشد، احتمال گرایش به اعتیاد بیشتر می‌شود (شهرکی، رقیبی و کرد، ۲۰۱۵). در کل می‌توان گفت که خانواده‌ها باید در تربیت بهتر فرزندان و ایجاد روابط گرم میان اعضای خانواده دقت عمل بیشتری به خرج دهند. کنترل و سرپرستی جدی و دقیق فرزندان توسط خانواده از انحراف و کجروی آن‌ها جلوگیری می‌کند.

ب- مدرسه: امروزه خانه و مدرسه به عنوان دو نهاد پایدار اجتماعی بیشترین سهم را در تربیت کودکان و نوجوانان بر عهده دارند. فرایند جامعه‌پذیری فرد از محیط خانواده و خانه آغاز شده و در محیط مدرسه تکامل می‌یابد (معظمی، ۱۳۹۳). مدرسه یکی از نهادهایی اجتماعی است که پس از خانواده نقش اساسی در زندگی اجتماعی کودک، نوجوان دارد. چرا که دانش آموز بیشتر اوقات زنده و فعال خود را در مدرسه می‌گذراند، موقعیت و برنامه‌های مدرسه اثر مهمی در علاقه‌مندی و یا فرار جوان از مدرسه دارد (بیات و همکاران، ۱۳۸۷). در پیشگیری رشد مدار تمرکز برنامه‌های پیشگیری بر عوامل فعلی سوق دهنده به سوی بزهکاری است. آموختن مهارت‌های اجتماعی به کودک و نوجوان، یعنی رفتارهای اجتماعی و تعامل سازنده با دیگران و محیط اجتماعی باید آموزش داده شود به طوری که نوجوان به صورت خودکفا بتواند به صورت یک عضو صاحب حقوق و تکالیف در جامعه ظاهر شود. این آموزش بایستی از سوی آموزگاران در مدارس به کودکان و نوجوانان آموخته شود (نجفی ابرند آبادی و هاشم بیگی، ۱۳۸۲). از مسائل مهم در مدرسه، میزان و نرخ فرار از مدرسه است. بنابراین لازم است معلمان و مسئولان مدارس بر متغیرهای مهمی چون مسائل خانوادگی دانش‌آموزان، فرار از مدرسه و اختلافات رفتاری دانش‌آموزان توجه خاص داشته باشند (بیات و همکاران، ۱۳۸۷).

ناهنجاری در زمینه‌ی آموزشی و محیط درسی همیشه موجب سقوط فوری فرد به بزهکاری نمی‌شود، فقط امکان دارد باعث ترک تحصیل، ولگردی و ... گردد. اما در دراز مدت ممکن است باعث بروز اختلال فراوان مادی و معنوی در زندگی شخص گردد. مطالعات آماری حاکی از آن است که نسبت بالایی از جوانان بزهکار را افراد کم سواد و

ترک تحصیل کرده تشکیل می‌دهند (نجفی توانا، ۱۳۹۰). به عقیده‌ی هیرشی، دانش‌آموزانی که به هنجارهای رسمی مدرسه اعتقادی ندارند یا به علی‌مدرسه را دوست ندارند و یا در برنامه‌های رسمی و داوطلبانه‌ی مدرسه مشارکت فعال ندارند، مستعد گرایش به رفتارهای بزهکارانه هستند (بیات و همکاران، ۱۳۸۷). با توجه به اینکه مدرسه یکی از نهادهای تربیتی است، تلاش در جهت بهبود روابط خانه و مدرسه یکی از مهم‌ترین اقدامات لازم در جهت کاهش نابسامانی‌های اجتماعی از جمله اعتیاد است. بهبود روابط شاگرد و معلم و ارائه‌ی خدمات مشاوره‌ای در مدارس می‌تواند در این راستا مؤثر و مفید باشد. انجمن‌های اولیاء و مربیان در صورت تقویت و حمایت، می‌توانند پلی بین نهاد خانواده و مدرسه باشند (برجاس، ۱۳۹۱). نتایج پژوهشی که قادری دهکردی (۱۳۷۹) و خالقی‌پور (۱۳۸۱) در زمینه‌ی آگاه‌سازی دانش‌آموزان از عوارض مصرف مواد مخدر نشان داد که آگاه‌سازی تأثیر عمده‌ای بر تغییر نگرش دانش‌آموزان نسبت به عوارض مصرف مواد مخدر داشته است. مدارس باید برای آگاهی دانش‌آموزان اقدامات مختلفی انجام دهند. مدارس می‌توانند با برگزاری همایش‌های مختلف در مورد انواع مواد اعتیادآور و عوارض و عواقب ناشی از مصرف آن، برای دانش‌آموزان اطلاع‌رسانی کنند یا معلمان در سر کلاس درس در اوقات خالی، نکاتی از این معضل خانمان‌سوز به شاگردانش گوشزد نمایند تا شاید زمینه‌ای برای پیشگیری از گرایش به سمت اعتیاد باشد. یکی از دلایل دچار شدن دانش‌آموزان به این معضل، عدم آگاهی از مضرات آن است.

ج- نهاد رسانه: رسانه‌های جمعی از قبیل تلویزیون، مجلات، سینما، رایانه و اینترنت به عنوان یکی از عوامل اجتماعی شدن افراد با برنامه‌های خود می‌توانند سطح آگاهی را بالا برده و الگوهای متناسب را ارزش‌های جامعه تبلیغ نمایند. به عقیده‌ی ساترلند، جوانان در فرآیند یادگیری اجتماعی به تقلید از رفتار دیگران می‌پردازند و از طریق رسانه‌ها برخی از رفتارهای بزهکارانه نظیر پرخاشگری و خشونت را یاد می‌گیرند (احمدی، ۱۳۸۴). صدا و سیما با تهیه و پخش برنامه‌های مناسب جهت جذب مخاطب، نقش مهمی در جلوگیری از بزهکاری دارد. به طوری که هر چه سطح آگاهی‌های عمومی جامعه بیشتر شود، یقیناً ارتکاب اعمال مجرمانه تقلیل خواهد یافت. صدا و سیما از طریق آموزش‌های مثبت و

سازنده، تبلیغ الگوهای مناسب رفتاری و انتشار افکار صحیح و سالم می‌تواند جامعه‌پذیری افراد و هنجارمندی رفتارهای آن‌ها را تسهیل نماید. رسانه‌های گروهی بهترین وسایل برای انتقال اطلاعات هستند و نقش مؤثری در مبادله عقاید و اطلاعات دارند. بنابراین برای پیشگیری از جرم باید به نحو مناسبی استفاده شوند (ایرانشاهی، ۱۳۸۹).

با وجود مبارزه‌ی مستمر با مواد مخدر در ایران، همچنان شیوع آن سریع‌تر است. از دلایل بسیار مهم عدم موفقیت کامل در زمینه‌ی مبارزه با مواد مخدر، شاید آن باشد که در جامعه به مسئله‌ی مواد مخدر به عنوان یک جرم نگریسته شده و در مبارزه با آن تنها بر نیروی قهریه تأکید شده است. از این رو کمتر سعی شده است به این مشکل به عنوان یک مشکل ارتباطی پرداخته شود. بکارگیری صحیح و هوشمندانه‌ی پیام‌های رسانه‌های جمعی به صورت مستقیم و غیرمستقیم در قالب فیلم، سریال، انیمیشن، مستند می‌تواند در مقابله با شیوع مصرف مواد مخدر در سطح جامعه و بین خانواده‌ها تأثیرگذار باشد؛ مشروط بر اینکه این پیام‌های رسانه‌ای متناسب با وضعیت سنی، تحصیلی، اجتماعی و فرهنگی مخاطبان صورت پذیرد و برای هر کدام از اقشار جامعه نیز پیام متناسبی طراحی و پخش شود (رضا قلی‌زاده، ۱۳۹۳). نمایش اعمال خشونت‌بار، کشتار، و صحنه‌های هیجان‌انگیز در تشدید کجروی‌ها اثر قابل توجهی دارد و می‌تواند در هدایت جوانان به اعتیاد مؤثر واقع شود (برجاس، ۱۳۹۱). یکی از علل اصلی در بحث گرایش به مواد، بی‌اطلاعی از پیامدها و وقایع تلخ مصرف مواد مخدر است. رسانه می‌تواند ضمن اطلاع‌رسانی از اوضاع و احوال افراد آلوده و آثار و نتایج آن در این حوزه بسیار مؤثر باشد (رضا قلی‌زاده، ۱۳۹۳). رسانه‌ها با تولید برنامه‌های فرهنگی، اجتماعی، روانی، مشاوره‌ای، دینی و حقوقی به عنوان الگوی اجتماعی، می‌توانند نقش بارزی را در کاهش اعتیاد داشته باشند. کارکرد اوقات فراغت و وسایل ارتباط جمعی از طریق تولید سریال‌ها و برنامه‌های متنوع که در جهت کاهش اعتیاد و سایر آسیب‌هاست، علاوه بر پر کردن اوقات فراغت افراد جامعه موجب آگاهی آن‌ها نیز خواهد شد (رضا قلی‌زاده، ۱۳۹۳). در این زمینه ماده ۷ آیین‌نامه‌ی اجرایی قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۷ اشعار می‌دارد که سازمان صدا و سیما مکلف است با هماهنگی ستاد مبارزه با مواد مخدر، درصدی از برنامه‌های خود را در قالب فیلم،

سریال، پیام‌های آموزشی و هشداردهنده و آموزش‌های تخصصی از شبکه‌ی سراسری و شبکه‌های استانی در زمینه‌ی پیشگیری و درمان اعتیاد، اختصاص دهد. به نظر می‌رسد تلویزیون به عنوان پرمخاطب‌ترین رسانه باید قسمتی از برنامه‌های روزانه‌ی خود را به صحبت کارشناسان در زمینه‌ی اعتیاد و مواد مخدر اختصاص دهد تا خانواده‌ها و نسل جوان، آشنایی بهتر و بیشتری با این مسئله داشته باشند.

د- نهادهای مردمی: امروزه مقامات دولتی به این نتیجه رسیده‌اند که کنترل جرم و تأمین امنیت، فراتر از توان آنان است. زیرا، از یک سو ظرفیت و توانایی نظام رسمی عدالت کیفری برای تأمین نظم و امنیت بسیار محدود است و از سوی دیگر، ساز و کارهای متعددی در زمینه‌ی کنترل جرم در جامعه وجود دارد که بیرون از قلمرو دولت بوده و مستقل از سیاست‌ها و برنامه‌های دولت عمل می‌کند. بر این اساس سازماندهی مراکز غیردولتی و مردم در اولویت سیاست جنایی بیشتر کشورهای پیشرفته قرار گرفته است (بیات و همکاران، ۱۳۸۷). با توجه به اینکه یکی از انواع سیاست جنایی، سیاست جنایی مشارکتی است، می‌توان گفت که در دهه‌های اخیر به علت رشد روز افزون و لجام گسیخته‌ی پدیده‌ی مجرمانه همراه با ظهور اشکال نوین بزهکاری، بحران ناتوانی و ناکارایی نظام عدالت کیفری برای مقابله با آن و غلبه بر سایر عوامل، توجه به سیاست جنایی مشارکتی و نقش نهادهای غیررسمی در امر پیشگیری از جرم، بیشتر شده و مکتب دفاع اجتماعی و تأکید آن بر امر پیشگیری و بازپذیری به جای سرکوب و مجازات، تأثیر بسزایی در تحول و ظهور این اندیشه داشته است (آنسل، ترجمه آشوری و نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۵). در زمینه‌ی مواد مخدر و اعتیاد همین امر صادق است یعنی مبارزه علیه تولید و توزیع مواد به تنهایی باعث کاهش مصرف نخواهد شد. از روش‌های مؤثر برای کاهش شیوع اعتیاد، بکارگیری روش‌های صحیح کاهش تقاضا شامل برنامه‌های پیشگیری، درمان و توان بخشی همگام با مبارزه با عرضه مواد است (برجاس، ۱۳۹۱). متأسفانه در حال حاضر، مشارکت مردم در امر پیشگیری از مصرف مواد مخدر پایین است. در حالی که، اعتیاد معضل مهمی است که مشارکت مردمی و احساس مسئولیت همگانی را مطالبه می‌کند. باید کنترل غیررسمی، توسط مردم گسترش یابد تا دست

اندر کاران حوزه مواد مخدر در هیچ جا احساس امنیت نکنند آنگاه با تلاش مسئولان به خصوص، پلیس می توان امید وار بود که توزیع مصرف مواد مخدر کاهش یابد (شایگان و اضغرزاده، ۱۳۹۴). با توجه به اینکه مشارکت نهادهای مختلف مردمی در امر پیشگیری از سوء مصرف مواد مخدر یا اعتیاد افراد، مؤثر است در ذیل به چند مورد از آن ها اشاره می شود.

۱- جمعیت های متشکل از معتادان سابق: در بزه دیده شناسی حمایتی طبق نظر مندلسون، حمایت های معنوی، عاطفی، مادی و روانی از بزه دیده مطرح است. به طوری که فرد بزه دیده با تحمل جرم، آرامش های درونی و جسمی خود را از دست داده و نیازمند مراقبت و درمان دارد تا به وضع سابق بازگردد. در برخی کشورها نهادهایی متشکل از بزه دیدگان سابق وجود دارد که به کمک این بزه دیدگان می آیند و به آن ها مشاوره ی روانی می دهند تا از این طریق بتوانند به جبران گذشته بپردازند (نجفی ابرند آبادی و هاشم بیگی، ۱۳۹۳). در پیشگیری از اعتیاد و سوء مصرف، هدف گسترش خدمات درمانی و مراقبت های پس از آن است به گونه ای که این اقدامات منجر به ترک اعتیاد و بازگرداندن شخص به اجتماع شود. بازپروری و ممانعت از بازگشت افراد معالجه شده به مصرف مجدد و به کارگیری روانشناسان، مشاوران و مددکاران از یک طرف (برجاس، ۱۳۹۱) و از طرفی تشکیل انجمن هایی از معتادان سابق و در راستای آن، برگزاری جلسات و همایش های مختلف درباره ی معضلات اعتیاد و سوء مصرف مواد به آگاهی و بازگشت بهتر و سریع تر افرادی که در ابتدای این راه غلط هستند یا آن هایی که برای چیره شدن بر مشکلات خود، به سمت مواد پناه می برند، کمک شایانی خواهد کرد. در نمونه ای از این تشکل ها می توان به انجمن معتادان گمنام اشاره کرد. هر کسی که بخواهد مصرف مواد مخدر را قطع کند، می تواند عضوی از انجمن مذکور باشد. روش اصلی بهبودی در انجمن معتادان گمنام باور به این برنامه است و ارزش درمانی آن، کمک یک معتاد به معتاد دیگر است و اعضا با حرف زدن درباره ی تجربیات و بهبودشان از مصرف مواد مخدر، در جلسات شرکت می کنند. ساختار جلسات انجمن معتادان گمنام غیر رسمی است. جلسات این انجمن به صورت باز و بسته است. در جلسات باز، شرکت برای عموم آزاد است ولی

در جلسات بسته فقط افرادی که عضو این انجمن هستند، شرکت می کنند (معصومی راد، ۱۳۸۹). کسانی غیر از اعضای این انجمن، زمانی می توانند در جلسات بسته حضور پیدا کنند که افراد حاضر در جلسه اجازه دهند.

۲- نهادهای دینی - مذهبی: دین و ارزش های ناشی از آن بیش از هر عامل دیگری در یکپارچگی شخصیت و معنی دادن به شخصیت فرد مؤثرند در حالی که نظام های ارزشی دیگر فقط قادرند یک بعد و یا جنبه هایی از زندگی فرد را یکپارچه نمایند و جنبه های دیگر را نادیده می گیرند (بیات و همکاران، ۱۳۸۷). کسانی که پایبند به دین هستند کمتر پایشان به مراکز انتظامی، دادگاه و زندان ها کشیده می شود. دین در سالم سازی محیط اجتماعی نقش بسزایی دارد. دین می تواند عامل کنترل اضطراب ها و احساس ناامنی ها و وسیله ای برای ایجاد آرامش باشد. در عصر حاضر بسیاری از انحرافات، لغزش ها، شکست ها و نابودی ملت ها به دلیل غوطه ور شدن انسان در منجلاب گناه و شهوات و غرایز نفسانی بوده است (کی نیا، ۱۳۷۳). یکی از کارکردهای دینداری توصیه به پرهیز از رفتارهای پر خطر همچون اعتیاد است. مذهب همچون سپری محافظت کننده از مهم ترین عوامل محافظ در برابر اعتیاد است. در حقیقت اعتیاد یک بیماری جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی است که در شکل گیری آن، زمینه های پیش اعتیادی نقش دارند (پورنیکدست و همکاران، ۱۳۹۳). عوامل اعتقادی با تأکید بر ارزشمندی و ارجمندی انسان، ایجاد احساس آرامش و امنیت، توکل و نیز هدفمند ساختن زندگی و افزایش تحمل و تاب آوری در برابر ناملایمات زندگی می تواند به عنوان عاملی پیشگیرانه از اعتیاد، به ویژه در گروه سنی نوجوان باشد. عواملی همچون مذهب، معنویت و خوش بینی به عنوان عوامل اصلی در پیشگیری از سوء مصرف مواد معرفی شده اند (پورنیکدست و همکاران، ۱۳۹۳). مذهب می تواند مصرف مواد و بهبودی پس از آن را از طریق برقراری یک نظم اخلاقی تحت تأثیر قرار دهد. مذهب راهنمایی ها و قوانین خاص اخلاقی به منظور کنترل خویشتن و عفت از قبیل امتناع از استفاده از الکل و دیگر مواد را در اختیار فرد قرار می دهد (ادیب نیا، احمدی و موسوی، ۱۳۹۵). تقویت باورهای دینی، مهم ترین مؤلفه در پیشگیری از اعتیاد است. نقش مذهب، علمای دینی و ایمان مذهبی در پیشگیری از شیوع مصرف مواد مخدر

و در توانمند کردن جوانان در برابر مواد مخدر، فقط یک مسئله‌ی نظری نیست. دین در مصون‌سازی جوانان بر علیه مواد مخدر تأثیری کاملاً عینی دارد (برجاس، ۱۳۹۱). کسانی که عقاید مذهبی آن‌ها سست و ضعیف است، برای دفع اضطراب اجتماعی خود سمت اعتیاد می‌روند. تحقیقات اجتماعی، حاکی از آن است که احساس بی‌هویتی، طردشدگی و بی‌تعلقی و بی‌نقشی در جامعه بزرگ‌ترین مسئله‌ی جوانان به سوی مواد مخدر است. باید به نقش پیشگیرانه و بازدارندگی دین و نهادهای دینی در هویت‌دهی به اقشار آسیب‌پذیر جامعه اذعان نمود (برجاس، ۱۳۹۱). در نمونه‌ای از این نهادهای مذهبی می‌توان به مساجد اشاره کرد. مساجد در واقع یکی از نهادهای غیررسمی است که در پیشگیری از جرم، نقش اساسی دارد. افرادی که در مسجد حاضر می‌شوند، با اثرپذیری بیشتر از آموزش‌های مسجد به شکلی تربیت می‌شوند که میزان ارتکاب بزهکاری در آن‌ها کاهش می‌یابد. گاه دست زدن به جرم و جنایت نشانه‌ی عقده‌های روانی برای جلب توجه دیگر افراد اجتماع و نداشتن پایگاه اجتماعی مجرم است. افراد اهل مسجد همیشه سعی می‌کنند که رفتارهای مثبت و مورد توقع مردم را از خود بروز دهند و در نتیجه مرتکب اعمال کجروانه نشوند (گلستانی شیشوانی، ۱۳۹۲). اگر فعالیت‌های مسجد گسترده‌تر باشد و به اجرای اعمال دینی داخل مسجد، محدود نشود، مسجد به افراد غیر مسجدی هم اثر گذاشته و از کارهای خلاف آنان جلوگیری می‌کند مثل امر به معروف و نهی از منکر. نهاد امر به معروف و نهی از منکر، یکی از نهادهایی است که در از بین بردن فرصت‌های بزهکاری، تأثیر بسزایی دارد و علاوه بر اینکه کار دستگاه‌های رسمی مبارزه با بزهکاری را کاهش می‌دهد، موجب هدایت رفتار و تربیت افراد جامعه در انطباق با هنجارهای پذیرفته شده می‌شود (بیات و همکاران، ۱۳۸۷). فعالیت‌های فرهنگی مسجد، همچون کتابخانه، مسابقات فرهنگی، علمی و ورزشی در افزایش سطح آگاهی جامعه و کاهش جرم مؤثر است. این فعالیت‌ها با پر کردن اوقات فراغت و جهت‌دهی به بینش افراد، یک نظام اجتماعی امن را فراهم می‌کند (گلستانی شیشوانی، ۱۳۹۲). مساجد علاوه بر اینکه در تأمین اوقات فراغت نقش اساسی دارد، یک عامل بازدارنده از ناهنجاری‌های اجتماعی نیز به شمار می‌رود. به همین خاطر، هرچقدر جوانان و نوجوانان با مساجد و دیگر مکان‌های فرهنگی بیشتر انس

بگیرند، کمتر به دنبال کارهای اجتماع ستیز خواهند رفت.

۳- گروه دوستان: یکی از مهم ترین موضوعات مورد توجه در زمینه ی بزهکاری، تأثیر روابط همسالان بر رفتار ضد اجتماعی و نیز معضلات ناشی از گروه های بزهکاری است. از جمله پدیده های قابل توجه در کلان شهرها شکل گیری گروه های خیابانی بزرگ است که خسارات بزرگی را بر اجتماع وارد می کنند. نوجوانان معمولاً با دوستان خود گروه دوستی تشکیل داده و با هدف رسیدن به استقلال، شروع به سازماندهی گروه های خاص خود می کنند (معظمی، ۱۳۹۳). الگوهای بزهکاری هنگامی به جوانان منتقل می شود که ارضای نیازهای جوانان برای پذیرفته شدن، دوستی و احترام جوانان دیگر از طریق مشارکت با گروه های غیر بزهکار و رسمی دشوار باشد. در چنین شرایطی که فرد از طریق خانواده و مدرسه حمایت نمی شود، ارضای نیازها به شیوه ای بزهکارانه با مشارکت افرادی که شبیه خود هستند، به آسانی قابل وصول است (احمدی، ۱۳۸۴). برخی از جوانان قشرهای محروم جامعه با تشکیل گروه های همسال به رفتار بزهکارانه مشغول می شوند، زیرا بعضی از نیازهای آنان به ویژه نیازهای عاطفی تنها در بیرون از خانواده و مدرسه می تواند ارضاء شود. جوانان قشرهای مهم، نوعاً در طغیان علیه خانواده و مدرسه، گروه های همسال بزهکاری تشکیل داده و بر اساس هنجارهای جدیدی که در این گروه ها تعریف می شود فرآیند جامعه پذیری مجدد را طی می کنند (بیات و همکاران، ۱۳۸۷). نتایج پژوهش سیمون و رابرتسون^۱ (۱۹۸۹) نشان داد که افزایش مصرف مواد با طرد والدین، گرایش به دوستان منحرف و عزت نفس پایین مرتبط بوده است. فشارهای اجتماعی همالان و دوستان مصرف کننده ی مواد و تعارف مواد به نوجوان از عوامل بسیار مهم در گرایش فرد به مصرف مواد است (به نقل از خالقی پور و یارمحمدیان، ۱۳۸۷). سطح بالایی از بزهکاری، ناشی از استعمال و مصرف مواد مخدر توسط نوجوانان است و بایستی تلاش های لازم جهت کاهش مصرف مواد مخدر و بزهکاری انجام شود (برونل^۲ و همکاران، ۲۰۱۳). تحقیقاتی که در زمینه ی عوامل جذب فرد در گروه انجام گرفته بیانگر

این است که نابسامانی خانوادگی، فقدان رابطه‌ی معقول بین خانواده و فرد، تعارض فرهنگی فرد با خانواده، احتیاج فرد به محبت و برقراری روابط عاطفی و اجتماعی متقابل، زمینه‌ی اساسی پناه بردن فرد به گروه است (قاسمی، ۱۳۸۷). زندگی در محلات نابسامان، احساس ناامیدی و فاقد قدرت برای پیشرفت و ارتکاب جرائم کوچک، سرانجام از یک سو موجب تضعیف ارزش‌های اجتماعی متعارف می‌شود و از سوی دیگر، توجه به آموزش، روابط خانوادگی و نظم اجتماعی نیز به واسطه‌ی عدم توانایی و کنترل نوجوانان کاهش می‌یابد و گروه همسالان بزهکار جانشین خانواده و دوستان قانون‌مدار می‌شود. مجموعه‌ای از این عوامل، موجب تجربه‌ی زود هنگام استعمال مواد مخدر و ارتکاب بزهکاری به عنوان یک شیوه‌ی زندگی می‌شود.

در پیشگیری اجتماعی، بر آنیم که از درون چنین گروه‌هایی را متلاشی کنیم. یکی از روش‌ها نفوذ دادن مربیان تربیتی، مددکاران اجتماعی به داخل این تشکلهای و اصلاح تدریجی اعضای باند در درون این تشکلهاست. در واقع به جای برخورد پلیس و به عبارت بهتر، برای تکمیل اقدامات پلیسی، مربیان سازمان بهزیستی با نفوذ در یک باند معتاد، سعی در استخراج نکات منفی آن‌ها و احیای فرهنگ مثبت در آن دارند. فعالان اصلی اجرای این برنامه با شناسایی برنامه‌های موجود در یک محله (یا اعضای گروه‌های دوستانه) و گفتگو با اعضای آن، ضمن دادن مشاوره‌های لازم و دعوت به زندگی اجتماعی قانونمند به نوعی نقش میانجی‌گری را ایفا خواهند نمود (ابراهیمی، ۱۳۹۰). بنابراین، برای جلوگیری از جذب کودکان و نوجوانان و جوانان در گروه‌های بزهکاری از جهات مختلفی بایستی اقدامات مختلفی صورت بگیرد.

نتیجه‌گیری

شناخت و بررسی عوامل بیرونی مؤثر بر اعتیاد به مواد مخدر (به خصوص مواد مخدر صنعتی) با تأکید بر رویکرد پیشگیرانه غیرکیفری، هدف پژوهش حاضر بود. درک صحیح این عوامل می‌تواند برنامه‌های مربوط به کنترل و پیشگیری از گرایش مردم به مواد مخدر را هدایت و پشتیبانی کند. پیشگیری از این معضل خانمان‌سوز یکی از دغدغه‌های اساسی

جوامع امروزی است تا از این طریق بتواند بخشی از آسیب‌های اجتماعی ناشی از این مسئله‌ی بحران‌ساز را بکاهد. با وجود جرم‌انگاری‌های شدید قانون مبارزه با مواد مخدر در راستای پیشگیری و کاهش این معضل اجتماعی، همچنان این مواد خانمان‌سوز روبه افزایش است. برای حل این مسئله به نظر می‌رسد بایستی ریشه‌ای و زیربنایی اقدام شود و برای این منظور، باید شکاف‌های موجود در جامعه، چه از نظر اجتماعی - فرهنگی و چه از نظر اقتصادی برطرف گردد، صرف اعمال سرکوبگرانه کیفری نخواهد توانست کارساز شود. در واقع، می‌توان گفت که اعتیاد ریشه‌ی ساختاری - فرهنگی دارد. بایستی تمامی نهادهای عمومی، دولتی و مدنی برای حل این مسئله اقدام کنند.

اعتیاد یک بیماری اجتماعی و ناشی از مشکلات ساختاری جامعه است. با توجه به بررسی‌های انجام شده در این پژوهش، از میان رویکردهای پیشگیری، پیشگیری واکنشی (پسین) نمی‌تواند خیلی کارساز باشد و با اینکه مجازات‌های کیفری سختی اعمال می‌شود، ولی در کاهش این معضل، تأثیر چندانی نداشته است. برای همین منظور، بایستی از روش‌های پیشگیری کنشی (پیشین) بهره جست. به عبارتی باید زمینه‌ی ارتکاب جرم را از بین برد قبل از اینکه جرم ارتکاب یابد. در این صورت، هم مجرم کمتری در سطح جامعه خواهیم داشت و هم هزینه‌ی زیادی تحمیل جامعه نخواهد شد. در مقاله حاضر از دو نوع پیشگیری صحبت شد که یکی از آن‌ها نوعی از پیشگیری است که در حوزه اعتیاد به مواد مخدر هم بیشتر مورد توجه است و با عنوان پیشگیری اولیه، ثانویه و ثالث طبقه‌بندی می‌شود. این نوع از روش پیشگیری در مراحل مختلف، آثار مثبتی داشته و موجب می‌شود تا افراد سالم دچار این بیماری اجتماعی نگردند یا افراد مبتلا به این معضل بتوانند به زندگی سالم اجتماعی ماقبل اعتیاد خود بازگردند. البته پیشگیری اولیه و ثانویه مربوط به مرحله‌ی ماقبل بزهکاری است یعنی حالت کنشی دارد ولی پیشگیری ثالث مربوط به مرحله‌ی پس از ارتکاب جرم است و برای پیشگیری از تکرار جرم است و برای بازپذیری اجتماعی بزهکار اعمال می‌شود و خاصیت اصلاح و درمان دارد.

یکی دیگر از روش‌های دیگر پیشگیری کنشی که در جرم‌شناسی بر آن تأکید می‌شود، پیشگیری اجتماعی است. این نوع پیشگیری به دنبال تعیین عوامل بزهکاری،

سازماندهی برنامه‌هایی به منظور مقابله با آن و تغییر شرایط اجتماعی و اقتصادی نامناسبی است که فرد در آن زندگی می‌کند و منشأ رفتارهای ضد اجتماعی است. این نوع پیشگیری یک رویکرد فرد مدار و مجرم مدار است و سعی دارد از ارتکاب جرم جلوگیری کند. با توجه به اینکه این نوع از پیشگیری، اثرات کلی و بلند مدت دارد، به نظر می‌رسد که بهتر بتواند ثمربخش باشد زیرا با اصلاح و بهبود شرایطی محیطی معتاد، از بازگشت و لغزش دوباره وی به سمت اعتیاد و مواد مخدر می‌توان جلوگیری کرد. این امر مانع از آن نیز خواهد بود که افراد بالقوه در معرض اعتیاد به سمت این معضل بروند.

منابع

- آتشین، شعله (۱۳۸۰). *ما، اعتیاد، جامعه، تهران: نشر گوهر منظوم*
- آشتیانی، الهام (۱۳۸۵). *جامعه‌شناسی اعتیاد در ایران امروز، تهران: نشر مهاجر.*
- آنسل، مارک (۱۳۷۵). *دفاع اجتماعی، ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرند آبادی، تهران: دانشگاه تهران*
- ایران‌شاهی، حمید (۱۳۸۹). *پیشگیری از وقوع جرم و نقش سازمانهای مسئول در قوانین ایران، انتشارات جاودانه*
- آبادینسکی، هووارد (۱۳۸۲). *جامعه‌شناسی مواد مخدر، ترجمه‌ی محمدعلی زکریایی، نشر دبیر خانه‌ی ستاد مبارزه با مواد مخدر*
- ابراهیمی، شهرام (۱۳۹۰). *جرم‌شناسی پیشگیری، نشر میزان.*
- احمدی، علی اصغر (۱۳۸۴). *نقش اولیا در گذران اوقات فراغت، تهران: نشر پیوند.*
- اسعدی، حسن (۱۳۸۱). *اعتیاد و قاجاق مواد مخدر، مجموعه مقالات اولین همایش آسیب‌های اجتماعی، انجمن جامعه‌شناسی ایران، ۲۵-۱۹.*
- اله پناه، شبنم (۱۳۸۹). *زاویه‌ی جامعه‌شناسی اعتیاد به مواد مخدر، مجله‌ی اصلاح و تربیت، ۱۲(۱۰۵)، ۱۶-۱۰.*
- ادیب‌نیا، فائزه؛ احمدی، عبدالجواد؛ موسوی، سیدعلی محمد (۱۳۹۵). *مروری بر علل گرایش به رفتارهای پرخطر در نوجوانان، فصلنامه سلامت اجتماعی و اعتیاد، ۳(۹)، ۱۱ تا ۳۶.*
- اضغری، فرهاد (۱۳۹۳). *بررسی وضعیت روانی معتادان به شیشه مراجعه‌کنندگان به مراکز درمانی شهر سنندج، ستاد مبارزه با مواد مخدر.*

اکبری، لیلا (۱۳۸۰). بررسی شیوه های پیشگیری از بزهکاری کودکان و نوجوانان در قواعد و اسناد بین المللی، پایان نامه کارشناسی ارشد، چاپ نشده، دانشگاه تهران.

بابایی، محمدعلی (۱۳۹۰). جرم شناسی بالینی، نشر میزان
بیات، بهرام، شرافتی پور، جعفر و عبدی، نرگس (۱۳۸۷). پیشگیری از جرم با تکیه بر رویکرد اجتماع محور، انتشارات معاونت اجتماعی نیروی انتظامی.

برجاس، فرحناز (۱۳۹۱). اعتیاد به مواد مخدر و علل آن، انتشارات اطلاعات
تابه، مریم (۱۳۸۲). بررسی تأثیر گروه دوستان و همسالان در گرایش افراد به مواد مخدر، پایان نامه کارشناسی همکاری اجتماعی، چاپ نشده، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.

پورنیکدست، سبحان؛ تقی زاده، محمد احسان؛ علی اکبری دهکردی، مهناز؛ امیدیان، مهدی؛ میکائیلی حور، فرهنگ (۱۳۹۳). مقایسه نوجوانان با نگرش مذهبی بالا و پایین از لحاظ سازگاری تحصیلی، عاطفی و اجتماعی و گرایش به اعتیاد، فصلنامه اعتیاد پژوهی، ۸(۳۲)، ۷۸-۷۷.

جندلی، منون (۱۳۹۳). درآمدی بر پیشگیری از جرم، بر گردان شهرام ابراهیمی، نشر میزان
جهانتاب، محمد (۱۳۹۳). دوستان ناباب و اعتیاد نوجوانان، فصلنامه سلامت اجتماعی و اعتیاد، ۱(۴)، ۶۳-۷۸

چلبی، مسعود؛ روزبهانی، توران (۱۳۸۰). نقش خانواده به عنوان عامل و مانع بزهکاری نوجوانان (با تأکید بر نظم در خانواده)، مجله فلسفه و کلام (شناخت)، ۱۰(۲۹)، ۹۵-۱۳۲.
خادمیان، طلحه؛ قناعتیان، زهرا (۱۳۸۷). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر اعتیاد زنان معتاد به مواد مخدر مراکز بازپروری و کاهش آسیب زنان شهر تهران (مرکز تولد دوباره و خانه خورشید)، پژوهش نامه علوم اجتماعی، ۲(۴)، ۸۵-۵۹.

خانعلی پور، سکینه (۱۳۹۰). پیشگیری فنی از وقوع جرم، نشر میزان
خالقی پور، شهناز؛ یار محمدیان، محمد حسین (۱۳۸۷). مصرف مواد مخدر و برنامه های پیشگیری در نوجوانان و جوانان، اصفهان: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان.

خالقی پور، شهناز (۱۳۸۱). تأثیر آموزش مهارت های پیشگیری اولیه بر ابراز وجود، سازگاری آگاهی به مواد مخدر و گرایش به سوء مصرف مواد مخدر در دانش آموزان دوره متوسطه منطقه جی اصفهان، پایان نامه کارشناسی ارشد، چاپ نشده، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.

خسروانی، هنگامه (۱۳۹۴). روش‌های پیشگیری از اعتیاد و نقش مدیریت شهری در عرصه پیشگیری، فصلنامه سلامت اجتماعی و اعتیاد، ۲(۵)، ۳۱-۵۲.

خضری، سیده خدیجه؛ ارجمند سیاهپوش، اسحاق. (۱۳۹۳). مقایسه میزان رضایت از زندگی زناشویی زنان شاغل و خانه‌دار و عوامل مؤثر بر آن در شهر ایذه، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۶(۴)، ۹۷-۱۰۶.

دلما - مارتی، می ری (۱۳۸۱). نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه‌ی علی حسین نجفی ابرند آبادی، تهران: نشر میزان.

رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۳). رهیافتی نو به بنیانهای نظری پیشگیری از جرم، مجله حقوقی دادگستری، ۶۸(۴۹ و ۴۸)، ۱۶۸-۱۲۳.

رضاقلی زاده، بهنام (۱۳۹۳). نقش رسانه‌ها در پیشگیری از سوء مصرف مواد مخدر، فصلنامه سلامت اجتماعی و اعتیاد، ۱(۴)، ۷۹-۱۰۰.

ساعده، محمدجعفر (۱۳۸۶). پیشگیری از وقوع جرم و کارکرد بسیج در تضمین امنیت اجتماعی، فصلنامه مطالعات بسیج، ۱۰(۳۴)، ۷۳ تا ۱۰۶.

شیخی، محمدتقی (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی و مددکاری اجتماعی، نشر حریر

شایگان، فریبا؛ اضغرزاده، سمیه (۱۳۹۴). جایگاه مشارکت مردم در پیشگیری اجتماعی از جرائم مواد مخدر، فصلنامه سلامت اجتماعی و اعتیاد، ۲(۵)، ۸۶-۶۹.

صفاری، علی (۱۳۸۰). مبانی نظری پیشگیری از وقوع جرم، مجله تحقیقات حقوقی، ۱۰(۳۳ و ۳۴)، ۲۶۷ تا ۳۲۲.

عزیزی، عبدالرضا (۱۳۸۴). پیشگیری و درمان اعتیاد، انتشارات چهارم

فرجاد، محمد حسین (۱۳۷۷). بررسی مسائل اجتماعی ایران، تهران: انتشارات اساطیر.

قادری دهکردی، صغری (۱۳۷۹). تأثیر یک طرح آموزشی بر پیشگیری از اعتیاد نوجوانان دختر شهر کرد، پایان نامه کارشناسی ارشد، چاپ نشده، دانشگاه خوارسگان اصفهان.

قاسمی‌روشن، ابراهیم (۱۳۸۲). از اعتیاد زنان تا نابسامانی خانواده، فصلنامه کتاب زنان، ۶(۲۲)، ۷۵-۶۹.

قاسمی، راضیه (۱۳۸۷). مطالعه جرم‌شناختی خشونت در مدارس اصفهان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا، چاپ نشده، دانشگاه تهران.

- قربانی، ابراهیم (۱۳۹۴). مروری بر متغیرهای گرایش زنان به سوء مصرف مواد مخدر و پیامدهای آن، فصلنامه سلامت اجتماعی و اعتیاد، ۲(۷)، ۱۷۵-۱۵۱.
- کاکی دینکی، عیسی و قوامی، نسرین السادات (۱۳۹۳). بررسی ویژگی های جنسیتی و پیامدهای گرایش زنان به سوء مصرف مواد مخدر، فصلنامه سلامت اجتماعی و اعتیاد، ۱(۴)، ۳۲-۹.
- کی نیا، مهدی (۱۳۷۳). مبانی جرم شناسی، تهران: دانشگاه تهران.
- کی نیا، مهدی (۱۳۶۹). مبانی جرم شناسی، تهران: دانشگاه تهران.
- کوئن، بروس (۱۳۸۷). مبانی جامعه شناسی، ترجمه غلامعباس توسلی و رضا فاضل، تهران: نشر سمت
- گلستانی شیشوانی، محمدعلی (۱۳۹۲). نقش مساجد در سلامت فرد و جامعه، ماهنامه علوم تربیتی (پیوند)، ۳۴(۴۰۷)، ۳۵-۳۰.
- مظفر، حسین؛ ذکریایی، منیژه؛ ثابتی، مریم (۱۳۸۸). آنومی فرهنگی و اعتیاد به مواد مخدر در بین جوانان ۱۳-۲۸ ساله ی شهر تهران، پژوهشنامه ی علوم اجتماعی، ۳(۴)، ۵۴-۳۳.
- معصومی راد، رضا (۱۳۸۹). الگوی کاهش تقاضای مواد مخدر در ایران (با تأکید بر پیشگیری و درمان)، پژوهشکده ی تحقیقات راهبردی (کمیته مبارزه با مواد مخدر دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام)، نشر جامعه و فرهنگ،
- معدنی، سعید. (۱۳۸۱). خانواده و اعتیاد، اولین همایش ملی آسیب های اجتماعی در ایران، اعتیاد و قاچاق مواد مخدر (انجمن جامعه شناسی ایران)،
- مساواتی آذر، مجید (۱۳۸۳). آسیب شناسی اجتماعی ایران، تبریز: انتشارات نوبل
- معظمی، شهلا (۱۳۹۳). بزهدکاری کودکان و نوجوانان، تهران: نشر دادگستر
- نجفی توانا، علی (۱۳۹۰). جرم شناسی، تهران: نشر آموزش و سنجش
- نجفی ابرند آبادی، علی حسین و هاشمیگی، حمید (۱۳۹۳). دانشنامه جرم شناسی، تهران: انتشارات گنج دانش
- نوروزی، بهرام و افراسیابی، علی (۱۳۸۹). رویکرد جامعه محور به پیشگیری از جرم در پلیس ایران، فصلنامه علمی- ترویجی مطالعات پیشگیری از جرم، نشریه پلیس نیروی انتظامی، ۵(۱۴)، ۳۹-۲۵.
- نیازپور، امیرحسین (۱۳۸۳). پیشگیری از بزهدکاری، مجله حقوقی دادگستری، ۶۸(۴۸) و ۴۹، ۲۲۶-۱۶۹.

وایت، راب ؛ هینز، فیونا (۱۳۹۲). جرم و جرم شناسی، ترجمه علی سلیمی، انتشارات حوزه و دانشگاه.

ولد، جرج، برنارد، توماس و اسنیس، جفری (۱۳۸۸). جرم شناسی نظری، ترجمه‌ی علی شجاعی، تهران: انتشارات سمت

یاراحمدی، یحیی و حسنی، رفیق (۱۳۹۴). بررسی عوامل مؤثر بر گرایش زنان به اعتیاد به مواد مخدر و روانگردانها، ستاد مبارزه با مواد مخدر.

Asquith, S. (1994). *A Review of Criminal Justice Related Services for Young Offenders*, New York: Academic Press.

Brunelle, N., Bertrand, K., Beaudoin, I., Ledoux, C., Gendron, A., & Arseneault, C. (2013). Drug trajectories among youth undergoing treatment: The influence of psychological problems and delinquency. *Journal of Adolescence*, 3(36), 705-716.

Chen, G. & Gueta, K. (2015). Child abuse, Drug Addiction and Mental Health Problems of Incarcerated women in Israel. *International Journal of Law and Psychiatry*. 39, 36-45.

Kumpfer, k. l., & Alvarado, r. (1998). *Effective Family Strengthening Intervention*. u. s Department of Justice, Office of Justice Programs, Office of Juvenile Justice and Delinquency Prevention.

Hirschi, T. (1969). *Causes of Delinquency*, University of Colifornia

Shahraki, A. & Raghbi, M. & Kord, B. (2015). *Investigation the relationship between parental attachments styles, with a tendency to drug addiction. Researcher*, 7(6), 34-40